

بود و مورد مصرف برای طلاب و سادات روی پاکت مشخص شده بود صورت برداری و سپس آن را نیز ضبط کردند و تا به حال در نزد آنها باقی است. در مراحل بسازجوسی نیز از هیچ گونه اهانت نسبت به مراجع بزرگ روحانیت شیعه و ضرب و شکنجه و فحشهایی که موجب حد شرعی است نسبت به اینجانب و فرزندم خودداری نشد، چنانچه هنوز آثار صدمات جسمانی ناشی از شکنجههای متوالی در فرزندم باقی است.

و در مورد اینجانب ربانی شیرازی بازداشت بدون احضار رسمی و مجوز قانونی صورت گرفت و علی‌رغم تذکر قبلی اینجانب در مورد بیماری خانواده و مخاطره جانی برای ایشان و بچهاش حدود دهنفسر از مامورین سازمان امنیت و شهرانی و آگاهی به خانه من حمله ور شدند و بهشیوای عمل کردند که موجب اتلاف بچه من و بیماری ممتد خانواده در اثر هراس گردید، مامورین که معلوم نبود به چه منظور منزل را محاصره و مورد بازرسی قرار داده‌اند، پس از کنجکاوی دقیق و نیافتن مدارک جرمی، بر خلاف قانون، مقداری کتب دینی و حقوقی جمع و ضبط نمودند. پس از انتقال به قزل قلعه در مراحل بازجوییهای ممتد و طولانی که بعضی جلسات آن تا حدود ساعت ۱۱ شب به طول انجامید بازجوها از حدود نزاکت خارج و سعی می‌نمودند با ارباب و تهدید مطالبی را به نفع دستگاه از اینجانب اقرار بگیرند، ولی با کارگر نیفتادن این‌روش غیرقانونی سعی نمودند با استوالات مکبر و بیجا پرونده ضخیمی درست نمایند.

توضیح آنکه فکر اصلاح برنامه‌های تدریس حوزه علمیه قم و امور تبلیغاتی و نشر کتب مفیده دینی از ۲۰ سال پیش در بین عدهای از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم وجود داشت و بارها بدین منظور جلساتی تشکیل داده و از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تقاضای اقدام و مساعدت می‌کردند، در تعقیب این هدف حدود ۳ سال پیش عدهای از اساتید و فضلاي حوزه علمیه جلساتی به منظور مشورت برای انجام اصلاحات فوق تشکیل دادند که متأسفانه مانند جلسات قبلی بدون اخذ نتیجه تعطیل گردید. اینک سازمان امنیت برای کوبیدن عدهای که از روش ضد دینی و قانونی دولتها و تبعید حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی انتقاد می‌نمودند، پس از گذشت ۳ سال این جلسات را دست‌انیز کرده و آن را سیاسی تلقی نموده و شروع به پرونده‌سازی کرده است.

در عرض مدت زندانی بودن اینجانبان و سایر رفقا، سازمان که خود را مواجه با اعتراض و نارضایتی جامعه محترم روحانیت به ویژه مراجع عظام متع‌الله المسلمین بطول بقائهم و سایر اصناف مردم می‌دید، با وعده‌های دروغی و اینکه آقایان به زودی آزاد می‌شوند در اسکات آنان کوشید، ولی با توجه به روش سازمان در عدم ایفای وعده‌ها نارضایتی شدیدتر و موج احساسات هر آن بیشتر گسترش پیدا می‌نمود تا ناچار سازمان امنیت دونفر از فضلا را که شریک پرونده بودند آزاد کرد، و در تعقیب اقدامات حضرات علمای اعلام و مراجع عظام چندی قبل از طرف سازمان جلسهای در اداره و جلسه دیگری در دفتر قزل قلعه با حضور عدهای از محترمین علمای عظام تشکیل یافت و از طرف سازمان پیشنهاد شد که ما تعهد کنیم شش ماه در شهرستان قم یعنی محلی که وطن فعلی و محل کار ماست نباشیم. سازمان می‌خواست که مادام‌طلبانه حاضر به تبعید از قم شویم، چون که می‌دید تبعید جبری نگرانی و احساسات را شدیدتر می‌نماید، ولی این امر چون مغایر با موازین دینی و قانون اساسی و آزادی مسکن و اعلامیه حقوق بشر و مستلزم اعتراف ضمنی به جرم واقع نشده بود از طرف اینجانبان رد شد.

آیا سازمان به جای آنکه از اعمال خلاف قانون خود بازداشت بدون سبب، اهانتها، شکنجه‌ها، اتلاف نفس بچه معصوم، مرضی و ناراحتی خانواده‌ها و تضییعات شدید در مدت پنج ماه پوزش بطلبد و ریسیس سازمان قم را به جرم جنایتهای وارده محاکمه کند، صحیح بود خلاف قانون تازه مرتکب شود؟ و بسا (درخواست) تعهد فوق صورت قانونی به کارهای خود دهد؟ آیا درخواست این موضوع فکری را که مدت‌هاست گسترش پیدا کرده است که دولت درصدد است حوزه علمیه قم را تضعیف نماید تقویت نمی‌کند؟ اگر ما امروز این چنین تعهدی را قبول می‌نمودیم چه چیز مانع دولت بود که فردا عده دیگری از اساتید حوزه را به عناوین واهی بازداشت کند و پس از مدتی با اخذ تعهد عدم سکونت در قم آزاد نماید؟ و بالنتیجه حوزه علمیه قم را تضعیف و عملاً منحل سازد با استناد به مطلب فوق و خلافکاریهای دیگری که در موقع خود ذکر می‌شود، پس از اظهار تأسف از رویه سازمان امنیت و دولت صریحاً اعلام می‌داریم که دولت هرگونه آزادی قلم و بیان را از بین برده نمی‌خواهد در قلمرو حکومتش کسی از حق آزادی سخن گوید. دولت می‌خواهد جامعه روحانیت را که مسئول امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم و دفع از اسلام و حقوق مسلمین و حفظ مصالح جامعه اسلامی است، از وظیفه خطیر الهی خود ممنوع سازد، درحالی که این ممنوعیت و فشار با روح اسلام و قانون اساسی کشور مخالفت دارد.

دولت در این راه کار را به جایی رسانیده که اگر مبلغ یا گوینده اسلامی کوچکترین اشاره نسبت به مفاسد اخلاقی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم می‌نماید، مورد تعقیب و بازداشت مامورین قرار می‌گیرد و در مقابل با روش مرموزی بتدریج روح دینی را در مردم تضعیف نموده و اخلاق اسلامی را از جامعه سلب می‌نماید.

ممنوعیت هرگونه انتقاد صحیح، آزاد گذاشتن هرگونه فعالیت‌های ضد دینی و ضد اخلاقی، وضع کثیف مطبوعات، سینماها، کابرها و سایر اماکن فساد، توسعه بلای خانمان‌سوز و دین برانداز فقر و بیکاری، تصویب قوانین و اعمالی که نتیجه آن تضییع حقوق سیاسی و اقتصادی ملت مسلمان ایران است، دلیل زنده بر این مدعاست. بالاتر از این می‌توان ادعا کرد که اساس دین و مذهب در این کشور در معرض خطر است، چون که دین و مذهب زمانی رسمیت دارد که تشکیلات جامعه براساس آن دور زند، و با آنکه دولتها عملاً نظام اجتماعی ایران را بر مبنای قوانین نجات بخش اسلام قرار نداده رسماً نیز سعی می‌شود که اسمی از اسلام در لوایح مصوبه نباشد، چنانچه در مورد قانون جدید استخدام، شروطیت "مطلق دین" و در آگهی استخدای ارتش شرط تدین به اسلام حذف شده است.

آیا عملیات چند سال اخیر از حبس، زجر، شکنجه و تبعید نسبت به جامعه روحانیت و سایر مردم آزاده مسلمان، و جریان مدرسه فیضیه صحن مظهر قم نشانهای از اهداف ضد ملی و ضد اسلامی دولتها نیست؟ آیا حبس و تبعید یکی از مراجع تقلید شیعه و ممنوعیت فروش رساله ایشان را به چه چیز می‌توان تعبیر کرد؟ آیا آزادی غیر محدود بعضی از اقلیتهای جاسوسی و

عوامل صهیونیسم و شرکت دادن آنها در امور حکومتی و مسلط نمودن آنها بر سرنویشت اقتصادی و اجتماعی ملت ایران توهم خطر را نسبت به حریم اسلام تشدید نمی‌نماید؟ ما از این گوشه زندان از این وضع ناهنجار اظهار تأسف نموده، و مخاطراتی را که برای اسلام عزیز و روحانیت و اخلاق عمومی کشور پیشامدند، به مراجع دینی و حقوقی تذکر داده، آنان را از عسرافسب سو آن برحذر می‌داریم. ما هرگونه ناراحتی را به منظور حفاظت از اسلام و روحانیت و مملکت ایران تحمل نموده، مطمئنیم اگر محکمه صالحی با حضور نمایندگان مراجع عظام و جامعه روحانیت و طبقات مختلفه مردم تشکیل شود، پرده از روی بسیاری دیگر از اقدامات ضد دینی و قانونی دولت برداشته خواهد شد. "ما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم"

حسینعلی منتظری
الاحقر عبدالرحیم الیربانی الشیرازی

پیوست شماره ۳۰: نامه معظمله به امام خمینی برای اقدام در جهت پیشگیری از اعدام رهبران و بنیانگذاران اولیه سازمان مجاهدین خلق، مورخه ۱۳۵۱/۱/۱۱ شمسی
۱۵ صفر ۱۳۹۲

بسمه تعالی

حضرت آیتالله العظمی مدظله‌العالی

پس از تقدیم سلام و تحیت به عرض عالی می‌رساند: چنانچه اطلاع دارید عده زیادی از جوانهای مسلمان و متدین گرفتارند و عده‌ای از آنان در معرض خطر اعدام قرار گرفتند. تصلب آنان نسبت به شعائر اسلامی و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و معتقدات مذهبی معروف و مورد توجه همه آقایان و روحانیین واقع شده است، و بعضی از مراجع و جمعی از علما - بلاد اقداماتی برای تخلص آنان کرده‌اند و چیزهایی نوشته شده، بجا و لازم است از طرف حضرتعالی نیز در تایید و تقویت و حفظ دما آنان چیزی منتشر شود، این معنا در شرایط فعلی ضرورت دارد چون مخالفین سعی می‌کنند آنان را منحرف قلمداد کنند، البته کیفیت آن بسته به نظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی ملتزم دعای خیر می‌باشم. والسلام علیکم ورحمته و برکاته.

ح ع م (۱)

۱ در سال ۵۱-۵۰ چند نفر از موسسین سازمان مجاهدین خلق محکوم به اعدام شدند، و خانواده‌های آنان به منازل مراجع قم مراجع‌نموده و در بیت مرحوم آیتالله شریعتمداری متحصن شدند. در آن زمان طلاب حوزه از این تحصن استقبال کردند، اکثر اشخاص مبارز و چهره‌های روحانی از حکم اعدام آنان ناراحت بودند و هرکس بجنوری تلاش می‌کرد تا از اعدام آنان جلوگیری شود، تا آنجا که مرحوم امام موسی صدر که مورد توجه شاه بود از طرف مراجع وقت: آیات عظام گلپایگانی، خوانساری، شریعتمداری و نجفی با شاه ملاقات نموده و حاصل پیام شفاهی حضرات مراجع برای شاه مبنی بر عفو آنان از اعدام گردید. نامه فوق نیز از طرف معظمله در همین ارتباط برای حضرت امام ارسال شده است. خودداری از نوشتن صریح نام امام و امضای صریح به جهت جنبه‌های امنیتی بوده است.

پیوست شماره ۳۱: متن تلگرام تشکر آیتالله منتظری به آیتالله مرعشی‌نجفی پس از رهایی از زندان، مورخه ۱۳۴۵/۷/۲۵
تهران قم ۲۱۱ ک ۳۰ ت ۷/۲۵

حضرت آیتالله العظمی آقای نجفی مدظله

فعلا در منزل حضرت حجج‌الاسلام واعظ محترم آقای فلسفی دام تبرکاته هستم و حال خوب، از عواطف و تفکرات حضرتعالی متشکرم.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۲: متن نامه حضرت امام خمینی به فقیه‌عالی‌قدر حضرت آیتالله العظمی منتظری، ۵۷/۸/۱۱
۱ ذی‌الحجه الحرام ۹۸

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجج‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دام تبرکاته

هیچ از دستگاه جبار جنایتکار تعجب نیست که مثل جنابعالی شخصیت بزرگوار خدمتگزار به اسلام و ملت را سالها از آزادی، ابتدائی‌ترین حقوق بشر محروم، و با شکنجه‌های قرون وسطائی با او و سایر علما منزه و رجال آزادیخواه رفتار کند، خیانتکاران به کشور و ملت از سایه مثل شما رجال عدالتخواه می‌ترسند، باید رجال دین و سیاست در بند باشند تا برای اجانب و بستگان آنان هر چه بیشتر راه چپاول بی‌تألم و ذخائر کشور باز باشد، در منطق کارتر و سایر نفتخواران مفت‌خوار فضای آزاد یعنی به زندان کشیدن جناحهای آزادیخواه و استقلال طلب از علما روشنفکر منزهی تا رجال سیاسی و دانشجویان و رجال محترم بازار و سانسور مطبوعات و دستگاههای تبلیغاتی، و در این منطق ترقی تمدن کشور یعنی وابستگی شریانه‌های آن از فرهنگ و اقتصاد و ارتش، تا دستگاههای قانون‌گذاری و قضائی و اجرائی. این برنامه در کشور ما بیش از پنجاه سال دوران سیاه پهلوی پیاده و مورد عمل بوده و هست، اکنون که ملت غیور ایران با نهضتی عظیم اسلامی بیاخته و بامشست گره‌کرده در مقابل دستگاههای ستمگری و چپاول چون سدهی آهینین ایستاده و پاینده‌های بنیادهای آن یکی پس از دیگری فرو ریخته‌اند در حال فرو ریختن است بر جناحهای پیشرو از مراجع عظام و علما اعلام مذهب و خطبای محترم و مدرسین و دانشمندان تا

رجال سیاسی و روشنفکران دانشگاهها و بازارها و کارمندان محروم و کارگران مظلوم روشنفکر لازم است این فرصت الهی را از دست نداده بی‌امان جمیع اقشار ملت را به پیش هدایت کنند، و از خواست ملت که برچیده شدن نظام سلطنتی و قطع دست اجانب از دخالت در مقدرات کشور و از غارتگریها و قیام جمهوری اسلامی ضامن آزادی و استقلال، به جای رژیم سلطنتی منشأ تمام بدبختیها و عقبماندگیها سر موئی تخلف و عقبنشینی نکنند که آن هدر دادن خون جوانان عزیز اسلام و به تباهی کشیدن همه جانبه کشور و کمک به هدم احکام بلکه اساس اسلام است، که از اعظم کبائر و بالاترین خیانت است. ما با بودن رژیم حاضر دموکراسی را هم بر فرض محال اگر تسامحین گردد نسبی‌نیزیم. ملت نمی‌تواند از خون جوانان عزیز خود و خیانت‌های چندین‌ساله صرف‌نظر کند. اسلام تکلیف این جانی را معین فرموده. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح‌الله الموسوی الخمینی

پیوست شماره ۳۳: متن پاسخ فقیه عالیقدر به پیام حضرت امام خمینی، ۵۷/۸/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مقدس زعیم عالیقدر اسلام، حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی دامتبرکاته "سلام علیکم بما صبرتم" پس از سلام، پیام روشنگر حضرتعالی بیش از هر چیز بیانگر عنایت خاص شما به نهضت مقدس اسلامی ایران است. نهضتی که شانزده سال قبل در یک مقطع حساسی از تاریخ مبارزات ملت مسلمان ایران که همه سرمایه‌ها و میراث‌های مادی و معنوی جامعه ما با سلطه‌شوم استبداد و استعمار به نابودی تهدید می‌شد، به رهبری مراجع محترم و علمای اعلام خاصه آن زعیم بزرگ آغاز گردید و با وحدت کلمه و همبستگی کامل و حمایت بی‌دریغ و فداکاریهای همه‌جانبه ملت مسلمان ایران ادامه یافت و بحمدالله اینک در پرتو رهبریهای صحیح و قاطعانه حضرتعالی به اوجی شکوهمند رسیده است. نهضت مقدسی که رژیم شیطنی حاکم، با همدستی ابرقدرتهای راست و چپ، از هرگونه دسیسه و توطئه‌ای علیه آن دریغ نکرد. ولی خوشبختانه دست قدرت الهی که فوق همه دستهاست، آن را از انواع سستی‌ها و انحرافها حفظ نمود. نهضت بی‌نظیری که در مدتی کوتاه، همه ابعاد زندگی امت و ملت ما را تحت‌تاثیر قرار داده، و آثار حیات طیبه اسلامی و انقلاب بنیادی توحیدی را در تمام سطوح اجتماع، از منبر و مسجد و حوزه‌های علمیه تا دبستان و دبیرستان و دانشگاه، از کوچه و بازار و خیابان تا کارخانجات صنعتی و مجتمعات تولیدی، از بخشهای خصوصی تا عمومی و ملی، از دور افتادترین روستاها تا بزرگترین شهرها نمایان ساخت. جنبش عظیمی که با قدرتی اعجاز‌آمیز، نومیدیه را به امید، تزلزلها را به قاطعیت، جنبها را به شجاعت، نفاقها را به وحدت، بدبینی‌ها را به تفاهم، و بالاخره بی‌تفاوتیها را به احساس مسئولیت بدل نمود، و پیروزی آن، مبشر نجات سایر ملت‌های مسلمان و گسترش انقلاب حیاتبخش اسلام در سطح جهانی خواهد بود. نهضت مقدسی که ضمن بی‌اثر ساختن نقشه‌های دیرینه استعمارگران غرب و شرق برای لک‌مدار ساختن اسلام عزیز و قدرت مذهب، حق را با ایجاد شکافهای عمیق در کاخهای ظلم و فساد نشان داد، و با جاذبه نیرومند اسلام عدالت پرور، نسل جوان را از سقوط به دامن مکتب‌های بی‌پایه نجات داد.

رژیم استبدادی ایران که با حمایت قدرتهای خارجی در مقابله با این نهضت اسلامی و مردمی از آغاز مرتکب فجلیع بی‌شماری گردید سرانجام خود را شکست خورده احساس نمود و دم از "فضای باز سیاسی" و "آشتی ملی" زد، ولی با هوشیاری و رشد مذهبی سیاسی ملت مسلمان ایران در بن بست کامل قرار گرفت، و ناگزیر برای ادامه سلطه و حیاتش با خشونت جنون‌آمیز ایران را به خاک و خون و آتش کشید به طوری که هیچ یک از شهرهای ایران از این تعرض وحشیانه مصون نماند.

فاجعه فراموش‌ناشدنی ۱۷ شهریور تهران (جمعه سیاه) که به دنبال راهپیمایی عظیم عید فطر و پنجشنبه ۱۶ شهریور (روز تجلیل از شهدای رمضان) صورت گرفت و در حقیقت فراندومی علیه رژیم حاکم بود، مردم ما را چنان خشمگین ساخت که کوچکترین اعتنایی به حکومت نظامی غیرقانونی ننمودند، و بار دیگر همه جا صحنه تظاهرات و راهپیماییهای عظیم و بی‌سابقه‌ای گردید، و متعاقباً در سرکوبی آنها، جنایات شرم‌آور دیگری صورت گرفت که امکان حتی اشاره به همه آنها نیست.

به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان به نام کولی و زاعمشین و سوزاندن قرآن و هتک مقدمات و نوامیس، و همچنین حوادث اسفبار شهرستانهای منطقه کردستان و لرستان، و هتک نوامیس در همدان، و حمله و کشتار بیرحمانه در اکثر شهرستانهای کشور، و اخیراً در دانشگاه تهران، نمونه‌هایی از این جنایات است که خاطرهای هرگز فراموش نخواهد شد.

طبیعی است که پس از فراه شدن زمینه خشم و طغیان همه اقشار ملت، رژیم با ایادی خود در مقام سواستفاده و زمینه‌سازی برای برآمده که آن را به خیال خود توجیهی برای برقراری دولت نظامی و سرکوبی مجدد بداند، و به طور رسمی سانسور و اختناق را با شدیدترین وجه بر همه‌جای کشور حاکم سازد، و ضمن ممنوع نمودن هرگونه اجتماعی همه خیابانها و معابر را به صحنه جنگ و لشکرکشی مبدل کرده، با سلاحهای سنگینی که از بودجه همین مردم تهیه شده به قتل و جرحشان می‌پردازد، مردم مسلمان ما به تبعیت از مراجع دینی و بخصوص آن مرجع عظیم‌الشان، برای این دولت نظامی به هیچ وجه ارزشی قائل نشده، به اعتصابات منطقی و برپا ساختن تظاهرات خود ادامه می‌دهند، و هم‌اکنون ساعتی نیست که از شهرهای مختلف ایران اخبار مصلحت‌های که حاکی از شهادت عزیزان بسیاری است به گوش نرسد، و ما را در سوکهای تازه‌ای نشانند.

اینجانب، ضمن ابراز تأسف عمیق خود از این حوادث و مصیبت‌های دردناک و همدردی با تمام داغدیدگان فجایع اخیر، همصدا با ملت مسلمان و مستضعف ایران دعوت حق حضرتعالی و سایر علمای اعلام اعلی‌الله‌کلمت‌هم را مجدد! لیک گفته، و در ادامه انقلاب اسلامی ایران تا پیروزی نهایی و برقراری یک نظام صددرصد اسلامی متکی به آزادی عمومی از هیچ کوششی دریغ نخواهم نمود. در خاتمه، بقای عمر و دوام رهبری آن زعیم عالیقدر را همواره از خداوند بزرگ مسالت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۱ ذی‌الحجه ۹۸ ۵۷/۸/۲۱

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۴: پیام معظمه به ملت مسلمان و شریف ایران، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۰
بسمه تعالی

ملت مسلمان و شریف ایران

اینک که در نتیجه مبارزات خستگی ناپذیر همه اقشار و طبقات ملت ایران اعم از مراجع عالیقدر، روحانیون، دانشگاهیان، فرهنگیان و جمعیت‌های سیاسی و حقوقی و تجار و پیشه‌وران و سایر طبقات از زندان آزاد شدیم، با ملتی عزادار مواجه شدیم که در راه تحقق اهداف مقدس اسلامی و انسانی خود قربانیها داده و خونها نثار کرده است.

شکی نیست که آزادی خود و دیگر برادران آزاد شده را مدیون همین تلاشها و فداکاریها می‌دانم. از این رو ضمن تشکر از همه قشرها و طبقات، خود را در جمیع مصیبت‌های وارده شریک دانسته و مسراتب همدردی و تسلیت خود را به همه خانواده‌های داغدار تقدیم می‌دارم و امیدوارم با پیگیری مبارزات به رهبری مراجع معظم بویژه حضرت آیت‌الله العظمی خمینی دامتبرکات‌العالیه و فشرده‌کردن صفوف و تصفیة عناصر مشکوک که احیاناً در جهت مخالف جنبش اسلامی گام برمی‌دارند و بسا همبستگی کامل برادران اسلامی به پیروزی کامل جنبش خود و برقراری یک نظام صددرصد اسلامی و دینی موافق و منطبق با شرایط و پیشرفت زمان نائل شویم. اینجانب اکنون به علت کثرت ایسایو ذهاب و عوارض زندان که نتیجه فشارها و شکنجه‌های جسمی و روحی گوناگون می‌باشد در وضعی نیستم که در این فرصت کوتاه بتوانم به تفصیل در باره اوضاع حساس کشورمان سخنی بگویم. کوتاه سخن آنکه در شرایط فعلی و اوضاع آشفته سامان یافتن وضع کشور ما فقط با بازگشت و پیروی از اهداف و منویات مرجع و زعیم عظیم‌الشان اسلام حضرت آیت‌الله العظمی خمینی امکان‌پذیر است، ان‌شا‌الله.

در فرصت‌های آینده، دیدگاهها و نقطه‌نظرهای خود را مفصلاً در معرض افکار عمومی ملت مسلمان قرار می‌دهم. در خاتمه توجه به این نکته لازم است که بحمدالله جنبش اسلامی ملت ما به مرحله‌ای رسیده که با توطئه‌ها و شیوه‌هایی نظیر تغییر اساس مامورین و استخدام کولی‌ها و زاعه نشین‌ها و... نمی‌توان از موج فزاینده آن جلوگیری نمود. ملت مسلمان در اثر رشد و آگاهی مذهبی و سیاسی خود ریشه این توطئه‌ها را تشخیص می‌دهد. امید است به لطف خداوند متعال و توجهات حضرت ولی‌عصر ارواح‌نافداه هرچه زودتر ملت مسلمان ایران به پیروزی کامل برسد و با اتحاد و همبستگی، آبادی استعمار چپ و راست را از کشور قطع نماید.

ضمناً یادآوری می‌شود که من هنگام وداع با دوستان از زندان با چشم گریان بیرون آمدم زیرا سایر هم‌بندیهای خود را در بند می‌دیدم در صورتی که بیشتر آقایان به اتهاماتی سست و بی‌اساس از قبیل خواندن یک کتاب و یا یک اعلامیه و یا ایراد یک سخنرانی مذهبی و یا فرضاً کمک مختصری به خانواده بی‌یضاعت یک زندانی دستگیر و محاکمه و به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند، لذا وظیفه خود و هم‌عشقرهای آگاه می‌دانم که تا سر حد موقفیت در خواست آزادی بسون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را یکی از خواسته‌های خود قرار دهند. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۱۳۵۷/۸/۱۰

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۵: تلگراف تسلیت معظمه به امام به مناسبت فقدان آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی
۵۷/۸/۱۱ اول ذی‌الحجه ۹۸

بسمه تعالی

قم پاریس، حضرت آیت‌الله العظمی الامام خمینی مدظله‌العالیه

مصیبت جانگداز از دست دادن عالم عامل و فاضل مجاهد، فرزند عزیز و همراهان حضرت حجج‌الاسلام آقای حاج آقا مصطفی موسوی طاب‌ثراه را به آن حضرت و خانواده محترمه تسلیت عرض نموده، ضمناً مراتب تأسف و انزجار شدید خود را از رفتار غیر انسانی رژیم‌های ایران، عراق و کوریت نسبت به آن حضرت اظهار داشته، امیدوارم هجرت جنابعالی به تحولی در جنبش عظیم اسلامی ملت مسلمان ایران بیانجامد. عظیم‌الله اجرکم فی تحمل تلک المصائب و ایقی وجودکم الشریف لتقویة الاسلام و قیاده الامه الاسلامیه.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۶: پیام معظمه به مردم غیور اصفهان و نجف‌آباد، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۴
۴ ذی‌الحجه ۹۸ ۵۷/۸/۱۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادران و خواهران مسلمان استان اصفهان و شهرستان نجف‌آباد ای‌دهم‌الله تعالی سلام بر شما همه برادران و خواهران مبارز و مسلمانی که در راه به دست آوردن حقوق انسانی و اسلامی خود از هیچ گونه رنج و تلاشی دریغ نمی‌نمایید. درود بر شهدای اسلام و قرآن، درود بر شهدای وقایع اخیر ایران که در راه عظمت بخشیدن جامعه اسلامی به شهادت رسیدند. درود بر خانواده‌های داغ‌دیده که با از دست دادن جوانان رشید و عزیز خود بیش از پیش چهره شوم استبداد حاکم بر ایران را رسوا نمودند.

این فداکاری شما مردم شرافتمند و مسلمان اصفهان و حومه بود که رسوایی رژیم استبدادی ایران را بیش از پیش آشکار ساخت و او را برای اولین بار به اعلان حکومت نظامی واداشت. اکنون که به وسیله فداکاریها و از خود گذشتگیهای ملت مسلمان از زندان آزاد شده و آزادی خود و سایر زندانیان سیاسی را که به اتهامات واهی و سست سالها عمر خود را در سياهچالهای زندان سپری نموده، مدیون مجاهدتهای ملت مسلمان می‌بینیم.

بدیهی است این فداکاریها تا پیروزی نهایی و استقلال و آزادی کامل مملکت از چنگال اجانب چپ و راست و تشکیل حکومت

اسلامی بهره‌ری علمای اعلام خاصه مرجع عالیقدر اسلام حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی دامتبرکاته ادامه خواهد داشت.

با اشتیاق فراوان که به دیدار شما مسلمانان آگاه و فداکار دارم، تصمیم داشتم روز جمعه ۹ ذی‌الحجه ۹۸ خدمت رسیده و حضوراً از احساسات پاک شما تشکر کنم، ولی کثرت رفت و آمد و ضعف جسمی که در اثر ناملازمات و فشار زندان برایم پیش آمده سفرم را به تاخیر انداخت. ان‌شاءالله در فرصت مناسب به دیدار شما برادران و خواهران مسلمان خواهم رسید. بدین وسیله از محبت‌های خالصانه و بی‌شائبه شما سپاسگزاری می‌شود، و با یاری خداوند متعال مبارزات حق طلبانه ملت ما تا پیروزی نهایی و تشکیل یک نظام صددرصد اسلامی ادامه خواهد یافت.

در پایان، توفیق همگان را در اجرای اهداف مقدس قرآن و خدمت به همه مسلمین و قطع ایادی استبداد و استعمار از کشورهای اسلامی بعوضه مملکت عزیزمان از خداوند بزرگ مسألت می‌نمایم والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته

۴ ذی‌الحجه ۱۳۹۸

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۷: پیام معظم‌له به اساتید دانشگاه اصفهان، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اساتید محترم دانشگاه اصفهان، برادران و خواهران دانشگاهی

اکنون که در نتیجه مبارزات ملت مسلمان ایران به آزادی نسبی دست یافتیم، با شرایط حساس و سرنوشت ساز کشورمان روبه‌رو شده‌ام شرایطی که کوچکترین ساده نگری و غفلت ممکن است کشور را به پرتگاهی عمیق سوق دهد.

مرحله کنونی نهضت که ملت مسلمان را در آستانه پیروزی قرار داده برزخ به دست نیامده، بلکه نتیجه مستقیم شهادت‌ها، زندان‌ها، تبعیدها محرومیت‌ها و قتل‌عام‌های بی‌دری مردم مسلمان شهرهای ایران است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد، نمونه جدید و بارز آن حمله وحشیانه‌خیز به دانشجویان عزیز دانشگاه تهران و سایر مردم مسلمان حمایت‌کننده از آنان است که به قتل و جرح عده کثیری انجامیده و نفرت مسلمانان خاصه حوزه علمیه را بیش از پیش برانگیخته و متأسفانه هنوز از تعداد کشته‌ها و مجروحین اطلاع دقیقی نداریم.

برادران و خواهران مسلمان، توجه دارید که در این شرایط حساس چه مسئولیت سنگینی متوجه ما می‌باشد. رژیم حاکم که تمام درها را بر روی خود بسته می‌بیند، دست به آخرین تلاش‌های خود زده و به این حقیقت رسیده که ملت مسلمان ایران در این جنبش عظیم اسلامی خود به رهبری مراجع معظم بالادست حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی دامتبرکاته تا رسیدن به حکومت اسلامی زیر نظر روحانیت آگاه و رجال سیاسی متعهد، از دادن هزاران قربانی و شهید دریغ نکرده و نخواهد کرد، و از طرفی توطئه‌های اخیر خود را که با شیوه‌های مختلفی از قبیل تغییر لباس مامورین و استخدام کولیها و زاعنه نشینها صورت گرفته شکست خورده می‌بیند، از این رو ملت مسلمان ما باید آگاهانه با مسائل جاری برخورد کند تا به خواست خداوند متعال محصول این همه فداکاریها و قربانیها را خود در جهتی که انتخاب کرده بدست آورد، بدین منظور تذکر چند نکته لازم است:

- ۱- جنبش عظیم ملت ما از آغاز با زیربنای ایدئولوژی اسلامی آغاز گشته و در تمام طول عمر خود با همه نوسانات و بحرانها و توطئه‌هایی کدر سر راهش بوده اصالت اولیه خود را حفظ کرده و تا پایان نیز حفظ خواهد کرد، و در پرتو رشد مذهبی سیاسی ملت مسلمان که محصول هریک از قاطعانه حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام خمینی می‌باشد از هرگونه انحرافی محفوظ خواهد ماند، و تلاش‌های نامرئی و مرموز برای لک‌دار کردن جنبش اسلامی بی‌نتیجه خواهد بود.

- ۲- پیروزی نسبی به هیچ وجه نباید ما را فریفته و موجب غرور کاذب و ساده‌اندیشی گردد، و در شرایط کنونی که ملت مسلمان ما بر سر دوراهی مرگ و حیات است و دستاورد نهضت اسلامی مورد تهدید و توطئه‌های بین‌المللی چپ و راست قرار گرفته دچار تردید سازد، چه آنکه در منطق قرآن پیروزی نیروهای توحیدی در برابر طاغوت در سایه مبارزه و استقامت قطعی است "فاصبر ان وعد الله حق و لا یستخفنک الذین لا یوقنون".

- ۳- پیشرفت روز افزون نهضت بزرگ ملت ما رژیم را سخت در تنگنا قرار داده، و آگاهی و هوشیاری اقشار ملت مسلمان به هیچ وجه نخواهد گذاشت تا بر سر خونهای شهدای عزیزش که به سرنوشت ملت بزرگ اسلام مربوط می‌شود مصالحه و معامله انجام گردد.

- ۴- وحدت کلمه و همبستگی اسلامی از مهمترین شرایط پیروزی است، بنا براین با تمام قدرت و کمال هوشیاری لازم است با سیاست‌های استعماری و نفاق‌افکن رژیم در هر شکل و قیافه‌ای باشد مبارزه را ادامه داد، در راه اراده خلل ناپذیر مردم نباید تغییری ایجاد شود.
- ۵- آنچه در خور تقدیر و ستایش است همبستگی اسلامی شدیدی است که بین قشرهای روحانی، دانشگاهی، فرهنگی، تجار، کسبه، کارگران، کشاورزان و همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی بوجود آمده، به زوری که همگی در صف واحد قرار گرفته‌اند با آهنکی بس سریع که در شکل اعتصابات گسترده‌شان نمایان گردیده، به نهضت اسلامی شکوه خاصی بخشیده‌اند. از این رو اینجانب ضمن ارسال پیام خود به اساتید و دانشگاهیان محترم دانشگاه اصفهان مراتب تشکر عمیق خود را از جمیع طبقات و اقشار مردم مسلمان و مبارز اصفهان اعلام می‌دارم، و امیدوارم در پرتو توجه خاص حضرت ولی‌عصر ارواح‌افزاده پاینده‌ای این همبستگی اسلامی روز به روز با پیوستن کلیه افراد لشکری و کشوری به آن محکمتر شود، و همگی با تشکیل نیروهای اسلامی به پیروزی کامل جنبش بابرقراری یک نظام اسلامی برسیم والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته

۵ ذی‌الحجه ۱۳۹۸

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۸: مصاحبه معظّمه با خبرنگار رادیو و تلویزیون آمریکا (ای‌بی‌سی) در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

س ۱ حضرت آیتالله، به نظر شما در حال حاضر در ایران به چه چیز نیازمند هستید؟ ج: در حال حاضر رفع هرگونه استبداد و فشار بر ملت و بازیافتن آزادی و شخصیت برای ملت مورد نیاز ما است.

س ۲ در شرایط کنونی که یک دولت نظامی روی کار آمده فکر می‌کنید اگر از طرف رهبران دینی دستور جهاد داده شود با موفقیت روبرو خواهد شد؟

ج: فعلا که چنین دستوری داده نشده ولی اگر از طرف مراجع دینی چنین دستوری داده شود با موفقیت همراه خواهد بود چون ارتش ما از همین مردم مسلمان تشکیل می‌شود و جز عده کمی بسقیه به عقاید دینی پایبند می‌باشند و برای مراجع دینی احترام قائلند. البته ممکن است در آغاز، امر را بر عده‌ای مشتبه کنند و با مشکلاتی مواجه شویم ولی در دراز مدت به صف ملت خواهند پیوست.

س ۳ ممکن است بفرمایید پس اکنون ارتشی که اکثرا پشتوانه مذهبی دارند پس چرا دست به کشتن برادران مسلمان خود می‌زنند؟

ج: آنهایی که دست به کشتار می‌زنند عده قلیلی هستند از کسانی که هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم مانده‌اند و گرنه آنهایی که حقیقت را شناخته‌اند یا به صف ملت ملحق شده و یا حد اقل دست به برادرکشی نمی‌زنند و نمونعاش اخباری است که حکایت از پیوستن عده‌ای از افسران و سربازان به صفوف مردم می‌کند.

س ۴ حضرتعالی آیا امکان پیروزی بر چنین رژیمی را بدون خونریزی پیش‌بینی می‌کنید؟ ج: اگر ابرقدرتها و بخصوص آمریکا و شوروی دست از حمایت رژیم موجود بردارند و به خواست ملت که همان خواست روحانیت و شخصیتی همچون آیتالله العظمی خمینی که رهبری نهضت اسلامی را به عهده دارند می‌باشد توجه کامل شود هرگز خونریزی نمی‌شود و خواستایشان جز با تشکیل جمهوری اسلامی متکی به آرا عمومی تامین نخواهد شد.

س ۵ این جمهوری که فرمودید خواست ملت و حضرت آیتالله خمینی می‌باشد آیا با بودن شاه امکان آن هست؟

ج: فکر نمی‌کنم در خواسته‌های آیتالله خمینی که در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های ایشان منعکس است ابهامی وجود داشته باشد.

س ۶ آیا شرکت در حکومت یاد شده برای همه افراد مقدور است؟

ج: بلی برای همه مقدور است و اقلیت‌های مذهبی هم حقوقشان محفوظ و محترم می‌باشد و روابط چنین حکومتی با سایر کشورها حسنه خواهد بود.

س ۷ در حال حاضر که شاه اعتراف کرده که در گذشته اشتباهات بزرگی شده و هرگز تکرار نخواهد شد آیا این امکان هست که با بودن شاهد راس قدرت دست به تشکیل حکومت اسلامی و یا انتخابات آزاد زد؟

ج: اینجانب نظری غیر از آنچه که ملت و رهبر مذهبی‌شان آیتالله خمینی می‌گویند ندارم و بدون رضی کردن مردم و ایشان هیچ عملی ممکن نیست.

س ۸ در شرایط کنونی که شاه وعده انتخابات آزاد داده به نظر شما آیا ممکن است با انتخاب آیتالله خمینی از طرف مردم، اختلاف موجود بین رژیم و مردم از بین برود؟

ج: اختلاف آیتالله خمینی با رژیم یک اختلاف اساسی است، مسئله این نیست که ایشان بخواهند وزیر یا وکیل بشوند بلکه ایشان خواهان تشکیل یک حکومتی هستند که در آن مردم نقش اصلی را داشته باشند و به خواسته‌های واقعی آنها عمل شود و چنین چیزی جز در پرتو یک حکومت اسلامی ممکن نیست و خیال نشود که پیشنهاد چنین حکومتی به معنی نفی مجلس شورا و قوه مجریه و نفی وزارت و وکالت برای اداره مملکت است. در حکومت اسلامی هم مجلس شورا داریم و هم قوه مجریه و افرادی که از بین مردم برای اجرای دستورات اسلام انتخاب شوند، نهایت نقش آیتالله خمینی و سایر علما در چنین حکومتی تشخیص قوانین و مقررات اسلامی و نظارت بر اجرای دقیق آنها است.

س ۹ به نظر شما کدام بخش از قوانین و یا فرهنگ اسلامی در رژیم موجود صدمه خورده و یا بکلی نابود شده؟

ج: در نظام موجود یک روز هم قانون و فرهنگ اسلام به تمام معنی الکنمه پیاده نشده، توجه دارید که فرهنگ اسلام قابل تفکیک و تجزیه نمی‌باشد.

س ۱۰ در صورت جایگزین شدن حکومت اسلامی به جای حکومت فعلی به چه نوع اصلاحاتی دست خواهید زد؟

ج: واضح است به اقدامات اساسی و زیربنایی که فعلا مجال بیان آنها نیست دست خواهیم زد.

س ۱۱ جهادی که قبلا گفته شد ممکن است از طرف علمای دین اعلام شود کیفیت و شرایطش چیست؟

ج: تا کنون چنین امری پیش نیامده، در صورت لزوم و اعلام آن شرایطش از طرف رهبران مذهبی بیان خواهد شد.

س ۱۲ اگر رژیم فعلی تغییر کند و یک دولت اسلامی روی کار بیاید موضع و خط مشی سیاسی اجتماعی شما در قبال ایالات متحده آمریکا چیست؟

ج: دولت اسلامی اصولا با تمام دولتهای غرب و شرق روابط حسنه خواهد داشت خصوصا غرب که اگر قصد استعمار و استثمار نداشته باشد می‌توان گفت در رابطه با وجه مشترکی که بین مسیحیت و اسلام وجود دارد چنین دولتی خود را به غرب نزدیکتر می‌بیند برخلاف شرق که اساسا علاوه بر استعمار و استثمار زیربنای مکتب سیاسی اقتصادی آنها قرار گرفته که تضادش با اسلام بندهی است. البته ملت ایران اکنون به علت حمایت صریح کارتر و دیوید اوشن وزیر خارجه انگلستان از رژیم کنونی نسبت به دولتین ایالات متحده و بریتانیا سخت‌خشمگین شده زیرا در شرایطی که ملت هستی خود را در راه مبارزه با ستم به خطر انداخته و در این راه کشته‌های فراوانی می‌دهد کارتر و دیوید اوشن با تظاهر شدیدنشان به دفاع از حقوق بشر هیچ ارزشی برای احساسات و عواطف ملت قائل نشده و همچنان به سیاست حمایت از رژیم فعلی ادامه می‌دهد.

س ۱۳ آیا شما پیامی برای مردم دنیا دارید که توسط ما به آنها برسانید؟

ج پیام من به ملت‌های دنیا این است: در زمانی که هر ملتی حق دارد سرنوشت خودش را به دست خویش تعیین کند آیا ملت مسلمان ایران این حق را نخواهد داشت که سرنوشتش را خود تعیین نموده و دیگران برای او تصمیمی نگیرند؟ آیا روا است که جنبش عظیم اسلامی را در ایران که بدون اسکا به قدرتهای شرق و غرب در جریان است و به قیمت از دست دادن هزاران کشته و تحمیل خسارتهای مادی فراوانی تمام می‌شود نادیده گرفته و هیچگونه حمایتی از آن به عمل نیساید بلکه به عکس گاهی آنرا به ارتجاع و زمانی به پیوند با چپ نسبت دهند بدینوسیله من از تمام مردم جهان می‌خواهم که با ملت مسلمان ایران هم صدا شده و نهضت اصیل آنها را در سطح جهانی تأیید و یاری کنند این احساسات و عواطفی را که مردم ما با خون خود امضا می‌کنند نادیده نگیرند.

پیوست شماره ۳۹: پیام معظمله به آیت‌الله شبیر خاقانی درباره کشتار وحشیانه رژیم شاه در مراسم نماز عید قربان خرمشهر مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد طاهر خاقانی دامتبرکاته
پس از اهدای سلام، خبر تائثر انگیز حمله و کشتار وحشیانه رژیم در خرمشهر در مراسم نماز عید قربان ساعت نارا حتی شدید گردید، انا لله و انا الیه راجعون. "مردم غیور خرمشهر نیز همگام با دیگر شهرها نشان دادند که برای اعلامی کلمه حق و نابودی باطل تا آخرین قدم بمبارزه ادامه خواهند داد.

ضمناً بجاست به پیروی از اوامر موکد مرجع عظیم الشان اسلام حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مدظله‌العالی به وضع کارمندان اعتصابی دوائر دولتی و کسبه مخصوصاً شرکت نفت رسیدگی جدی شود، و در رابطه با تنگنا قرار گرفتن از جهت مسکن، علمای اعلام اقدام فرموده و مردم شریف و متدین در منازل خویش از آنان پذیرایی نموده و داستان مهاجرین و انصار را بار دیگر در تاریخ اسلام تکرار نمایند.

از خداوند متعال توفیق همگان را در ادامه نهضت تا برقراری نظام صدرصد اسلامی خواستارم.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۰: تلگرام آیت‌الله شبیر خاقانی در پاسخ به پیام معظمله
۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ ۱۳۵۷/۸/۲۵

خرمشهر قم

بِسْمِ اللَّهِ

حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامتبرکاته
پس از اهدای تحیات، مراتب تسلیت آن جناب راجع به وقایع تأسف بار و غم انگیز خرمشهر واصل، بدیهی است این ایام که ملت مسلمان ایران به پیروی از منویات مقدس جامعه روحانیت برای نیل به اهداف عالی اسلامی و اعلامی کلمه حق تحت لوای حکومت اسلامی بپاخاسته‌است. هر روز در سرتاسر کشور با مصائب دردناکی از طرف حکومت استبداد مواجه می‌شود. حادثه جسانگداز روز عید قربان خرمشهر کما عث کشته و مجروح شدن عده کثیری از مسلمانان غیور این منطقه حساس شد بار دیگر قلب مقدس ولی عصر (عج) را جریحه دار و جامعه روحانیت و ملت مسلمان را عزادار نمود، ولی مسلم است که ملت مسلمان ایران با اینگونه اعمال در راه این هدف مقدس تا کسب آزادی از برای نخواهد نشست. اینجانب ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی‌الله المنتقم (ع) جامعه روحانیت و ملت مسلمان از خداوند متعال توفیق همگان و ریشه کن شدن ظلم و فساد را خواستارم.

خرمشهر

محمد طاهر آل شبیر خاقانی

پیوست شماره ۴۱: پاسخ معظمله به پیام روحانیون شهرستان نجف‌آباد پیرامون جنایات خونبار رژیم در این شهرستان و... مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرات حجج اسلام و وعاظ محترم شهرستان نجف‌آباد دامتفاضاتهم
پس از سلام و تحیت، نامه تائثر انگیزتان مشتمل بر اخبار مولمه در رابطه با آخرین حملات وحشیانه رژیم حاکم به مردم بی‌دفاع و شجاع آن شهرستان واصل شد و موجب تأسف عمیق گردید. این روزها در ایران، فجیع‌ترین جنایات و کشتار که در حقیقت چهره واقعی "فضای باز سیاسی" و "آشتی ملی" می‌باشد عادی‌ترین شکل رابه خود گرفته و ریختن خون انسانهای بی‌گناه، حتی زنان و کودکان معصوم، امری عادی شده، هر روز و هر ساعت از نقاط مختلف، فاجعه یافجایی گزارش می‌شود که هر یک از دیگری دلخراشتر است. این وقایع بر خلاف تفاوت‌های ظاهری، حکایت از تحولاتی در روند جنبش اسلامی ملت ایران دارند که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ ملت مسلمان ما بر اساس پیروی از آیات عظام و علمای اعلام بویژه مرجع عظیم الشان حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله‌العالی در راه گسستن زنجیرهای استبداد و استعمار و نیل به آزادی و استقلال در پرتو حکومت اسلامی مصمم و قاطع است و در این مسیر که مسیر انبیا عظام و انماطهار علیهم‌السلام است از دادن قربانیها و تحمیل خسارات مالی و جانی هر قدر لازم باشد دریغ ندارد.

۲ رژیم حاکم که از ابتدا هیچگونه پیوندی با ملت نداشته با جنایات و کشتارهای بی‌دری در سراسر کشور روز به روز برکینه و نفرت مردم مسلمان افزوده به نحوی که خصومت و تضاد با نظام حاکم در متن زندگی همه طبقات قرار گرفته و هر روز به شکلی نمایان می‌شود.

۳ وحدت کلمه و همبستگی همه اقشار ملت مسلمان ما که از یک اصل اعتقادی و ایدئولوژیکی سرچشمه می‌گیرد در مراحل مبارزات کنونی رشد یافته و روز بروز بر تشکل و یکپارچگی همه طبقات افزوده می‌شود و دیگر سیاست تفرقه و نفاق افکنی موثر نخواهد بود. ضمنیادآوری می‌شود که بر همه ما لازم است که به شناخت خود از اسلام عزیز و جنبه‌های اقتصادی و سیاسی آن عمق بیشتری داده و با همبستگی کامل در اجرای دستورات اسلام و عمل به آن جدیت و کوشش خود را مبنی بر دارم تا دشمنان شناخته شده اسلام و مسلمین و استعمارگران شرق و غرب را در نقشه‌های شومشان علیه مکتب اسلام ناکام سازیم. اینجانب بار دیگر تاسف عمیق خود را از وقایع اسف‌انگیز شهرستان نجف‌آباد و سایر شهرستانهای ایران بدین وسیله ابراز، مراتب همدردی خویش را با ملت مسلمان و فدائکار ایران اعلام می‌نماید و برای شهدای عزیزمان رضوان و مغفرت حق را آرزو می‌کنم و از خداوند قادر توفیق‌صبر و استقامت توأم با بی‌پیشش و هوشیاری را برای ملت شجاع و مبارزمان در ادامه نهضت مقدس افتخارآمیزمان تا نیل به پیروزی نهایی و برقراری حکومت عدل اسلامی مسئلت می‌نمایم.

۱۴ ذی‌الحجه ۹۸ قم،
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۲: پیام معظمله به آیت‌الله شبیر خاقانی درباره اعتصاب شرکت نفت
ذی‌الحجه ۹۸ ۵۷/۹/۷

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی دام‌ترکات‌العالیه پس از اهدا سلام، سلامت و موفقیت شما و همه برادران مسلمان را در راه اعلا کلمه توحید و نصرت اسلام از خداوند متعال خواستارم. باری‌پیرو حکم مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی‌الخمینی مدظله‌العالی در اعلامیه مورخه ۲۷ ذی‌الحجه مبنی بر قطع صدور نفت ایران به خارج و تاکید بر اینکه اعتصابات نفت همراه با جنبش اسلامی ملت ایران آغاز و ادامه یابد، به نظر رسید بسیار بجا خواهد بود که علمای اعلام منطقه خوزستان بویژه حضرتعالی به تایید این حکم و تقویت روحیه برادران خوزستانی خصوصا کارمندان و کارگران صنعت نفت و اظهارات زجاج نسبت به فشارهایی که بر آنان واقع شده، اقدام فرموده و در پشتیبانی از نظریه معظمله پیشقدم شوند، به همین منظور پیشنهاد می‌شود روز شنبه اول ماه محرم ۹۹ که سرآغاز ماه شهادت و انقلاب است به عنوان روز همبستگی ملت ایران با کارکنان صنعت نفت اعلام شود و از همه اقشار مردم برای همبستگی با کارگران و کارمندان نفت دعوت عمومی به عمل آید. مناسب است که این دعوت ابتدائاً از ناحیه حضرتعالی و سایر علمای اعلام خوزستان آغاز شود و طبیعی است که مورد تایید و پشتیبانی حوزه علمیه قم و مقامات روحانی قرار خواهد گرفت. توضیح بیشتر در این زمینه را حاصل نامه که از دوستان مورد اعتماد است حضوراً عرضه خواهد کرد. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۳: پیام معظمله به مناسبت راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و کشتار وحشیانه رژیم شاه در شهرهای اصفهان و نجف‌آباد مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۴

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

”یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوه، ان الله مع الصابرين، و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لا تشرعون ولن یلویکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الشمرات و بشر الصابرين الذین اذا اصابهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیهم رجعون، اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المتهنون“

ملت مسلمان و شجاع ایران

بار دیگر رژیم استبدادی ایران دست به جنایتی وحشتناک زد که ابعاد آن به مراتب از جنایات قبل بیشتر و هولناکتر بود. چون ملت شریف ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سرور شهیدان حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام راهپیماییهای عظیم و باشکوهی را که در حقیقت یک رفراندوم تاریخی بود در سراسر کشور، حتی در قرا و قصبات، ترتیب داد و بدین وسیله نظام استبدادی موجود را محکوم و خواست خود رامبنی بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری مراجع عالیقدر اسلام، به ویژه حضرت آیت‌الله العظمی‌الخمینی مدظله‌العالی اعلام نمودند. رژیم ایران به دنبال این رفراندوم تاریخی (که در هر کشور دیگر به وقوع می‌پیوست رژیم آن قهراً ساقط می‌شد) تمهید که هیچ گونه پایگاهی در میان مردم ندارد، به ناچار تحت تظاهرات به اصطلاح ملی و میهنی به نفع رژیم عدل از اشرار و اوباش مزدور را در پناه ماصورین دلال دراکثر شهرهای ایران به راه انداختند و بسا شعار ”جاوید شاه“ به ملت مسلمان حمله کردند و عده زیادی را کشته و یا مجروح کردند، مساجد و بیمارستانها، منازل، مغازه‌ها و وسایل نقلیه را به آتش کشیدند و یا تخریب نمودند و حتی نوامیس مردم را مورد تجاوز و هتک قرار داده و بمقدمات مذهبی اهانت نمودند.

از باب نسنونه، عمال و مزدوران رژیم در روزهای یازده و دوازده محرم در یک عقب نشینی تاکتیکی ناگهان به طور بی‌سابقه و هولناکی شهر اصفهان و حومه و نجف‌آباد را محاصره نموده و از زمین و هوا مردم بی‌دفاع را مورد حمله وحشیانه قرار دادند و از هیچ جنایتی خودداری نکردند، زدند و کشتند و سوختند و غارت کردند و این دو شهر را به صورت شهر جنگ‌زده درآوردند و بدین وسیله محیطی توأم با رعب و وحشت بوجود آوردند که مردم به ناچار به خانه‌ها و مساجد و کوچ‌های بن‌بست

پناه بردند، ولی متأسفانه در آنجاها نیز مردم از یورش مأمورین بدتر از مغول محفوظ نماندند، داروخانهها به آتش کشیده شد و بیمارستانها مورد هجوم واقع شد و حتی مردمی که برای اهدای خون رفتن بودند، در بیمارستان و اطراف آن به شهادت رسیدند، خانه پزشکان مسلمان و منتهد را به گلوله بستند، به نحوی که در این دو شهر صدها کشته و هزاران مجروح به جای مانده است.

آری این است معنای حفظ امنیت و نگاهداری از اموال و نفوس مردم، ولی رژیم ایران باید بداند که با این گونه حملات وحشیانه نمی‌تواند ملت‌منتهد را از انجام وظایف شرعی باز دارد، ملت رشد و آگاهی پیدا کرده و به وظایف خود آشنا شده است و برای نیل به پیروزی نهایی از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نخواهد کرد و از تهدیدات رژیم پوشالی نمی‌هراسد، به اعتصابات خود ادامه خواهد داد، و مخصوصاً کارگران و کارمندان صنعت نفت که حیات اقتصادی ملت ایران در اختیار آنهاست با کمال شجاعت و شهامت از دستور رهبر عالیقدر جهان اسلام مبنی بر ادامه اعتصابات پیروی خواهند کرد.

اینجانب ضمن تسلیت به برادران و خواهران داغ‌دیده و مصیبت‌زده، مراتب تأسف عمیق و همدردی خود را به عموم ملت مسلمان ایران به‌ویژه مردم اصفهان و حومه و نجف‌آباد اظهار داشته، و به پیروی از رهبر نهضت روز دوشنبه هفتم محرم را روز عزای تعطیل عمومی اعلام می‌دارد، و بدین وسیله از تمام ملت‌های مسلمان و آزادیخواه جهان و مجامع حقوقی و بین‌المللی استمداد کرده و صدای مظلومیت ملت‌مسلمان ایران را به گوش آنها می‌رسانم، و پشتیبانی آنها را از جنبش اسلامی ایران که الگویی برای سایر کشورهای اسلامی منطقه و ملل آزادیخواه جهان درآمده تقاضا دارم. به امید پیروزی نهایی در سایه صبر و استقامت.

جمعه ۱۴ محرم ۱۳۹۹ ق.م.
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۴: پیام معظمه به ملت مسلمان ایران در مورد توطئه جدید عمال شاه و ایجاد اختلاف بین مردم شهرها و روستاهای ایران، مورخه ۱۳۵۷/۱۰/۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ولایجر منکم شنن قوم علی الا تعدلوا اعدنوا هو اقرب للفقوی

برادران و خواهران مسلمان، همانطور که آگاهی کامل دارید پس از شکست توطئه اخیر رژیم مبنی بر براف انداختن دست‌های اشرار و چماق‌بندست و حمله به جان و مال مردم، عمال شاه که فعلاً از چنگ مردم گریختند به این فکر افتادند که باید صفوف متحد و فشرده مردم و روح‌خوت اسلامی حاکم بین شهرها و روستاها را تضعیف نمود تا بدین طریق روح عناد و بدبینی و خصومت که شیوه دیرینه استعمار است، احیا شده و شیرازه وحدت لازم در پیشبرد جنبش اسلامی را مستلاشی سازد، لذا از خشم مردم از حمله چماق‌بندستان سو استفاده کرده و به عنوان عکس‌العمل کار زشت آنان افراد بی‌گناه و احیاناً اطفال کوچک را مورد ضوب و قتل قرار داده و به مردم نسبت داده‌اند. چنانچه شنیده شده در اطراف نجف‌آباد چند بچه خرد سال را کشته و وانمود کرده‌اند که این مردم‌اند که چنین واکنشی نشان می‌دهند. در این رابطه لازم است تذکردهم با توجه به حساس بودن مرحله کنونی جنبش و اینکه دشمن شکست خورده از هیچ کوششی برای فرصت تدارک نیرو و بازیافتن رمق تازه خود داری نمی‌کند، برادران غیور و مسلمان باید کاملاً آگاه باشند و گرفتار حالت انتقام‌جویی نشوند و بدانند که چنین اعمال ضد انسانی جز از طرف عمال شاه نمی‌تواند باشد، زیرا علاوه بر اینکه با موازین اسلامی مخالفت صریح دارد مسلمانان را گروهی آوارشیست و هرج و مرج طلب معرفی می‌کند و جنبش عظیم و مقدس ما را که جهانیان به آن چشم دوخته‌اند لک‌دار می‌سازد. لازم است ضمن حفظ نظم و اخوت اسلامی بین شهرها و روستاها افراد فاسد و چماق‌بندست را شناسایی کامل کرده و زیر نظر داشته باشند تا بزودی پس از اعلام جمهوری عمل‌اسلامی به رهبری آیات عظام خاصه قائد بزرگ اسلام حضرت امام خمینی مدظله افراد ذکر شده در دادگاه‌های شرعی و صالح محاکمه و به مجازات برسند. والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته.

۲۴ صفر ۱۳۹۹ ۱۳۵۷/۱۰/۳

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۵: پیام معظمه به مناسبت چهل‌م شهدای اصفهان و نجف‌آباد، مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ونزید ان نن علی النین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین

برادران و خواهران مسلمان، اکنون که ملت قهرمان و مسلمان ما فداکاری و از خود گذشتگی را به اوج خود رسانده، اکنون که ملت ما پس از عبور از راه دشوار و پر پیچ و خم نهضت به هدف خود نزدیک می‌شود، اکنون که شهیدان ما با خون خود جنبش عظیم اسلامی را آبیاری نموده شکست و رسوایی را برای دشمن خدا و خلق ما رژیم سفاک پهلوی بجای نهادند، اکنون که ملت ما با پشت سر گذاشتن شب تاریک‌طلیعه غلبه حق بر باطل و اسلام بر کفر را مشاهده می‌کند، و بالاخره اکنون که ملت مسلمان و قهرمان ما در یرتو رهبرهای قاطعانه علمای اعلام و آیات عظام و بالاخص قائد بزرگ اسلام حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله‌العالی با فرار شاه در آستانه سرنوشتی کامل رژیمارتجاعی و ضد اسلامی شاهنشاهی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته، بار دیگر خاتره شهیدان این جنبش اسلامی را که بانثار خونهای خود درخت نهضت و انقلاب اسلامی را بارور کرده گرامی می‌داریم و برای آن عزیزان از دست رفته مغفرت حق تعالی و علو درجات را طلب می‌کنیم. عزیزانی که با آگاهی و خون خود تمام توطئه‌های دشمن را در نطفه خفه کردند و ثابت نمودند که مرگ با افتخار در راه خدا از زندگی مذلت بار به مراتب بهتر است.

در چهل روز پیش بود که رژیم خونخوار شاه دو شهر اصفهان و نجف آباد را به خاک و خون کشید و در یک یورش وحشیانه چماق بدستان مزدور خود در حمایت پلیس این دو شهر را به صورت شهر جنگزده در آورد و صدها کشته و زخمی و بسیار خانه و مغازه سوخته بجای گذاشت و اموال زیادی از مردم مسلمان به غارت رفت. تاریخ سیاه پنجاه سال دیکتاتوری گذشته بخصوص یک سال اخیر ایران را با خون باید نوشت شهادتها و قهرمانیهای ملت ما در شهرهای گوناگون این سرزمین اعجاب جهانیان را برانگیخته است. با اینکه شاه مخلوع از کشور فرار کرد و هیچ پایگاه مردمی نداشته و ندارد، در همین دو روز عمال جنایتکار او با اجرای توطئه‌های محکوم به شکست اربابانش در شهرهای دزفول، اندیمشک، اهواز، اراک و منطقه نهاوند و نجف آباد و برخی نقاط دیگر دست به حمله وحشیانه زده و پس از نابود کردن وسائل و اموال مردم عده‌ای را به خاک و خون کشیدند. ملت آگاه ایران می‌داند که لحظات بسیار حساسی را می‌گذراند و کوچکترین غفلت و ساده نگری ممکن است از سرعت روند جنبش عظیم بکاهد و به دشمن اسلام و مردم مجال تدارک نیرو و ترتیب حمله مجددی را بدهد. لذا لازم است نکات زیرمورد توجه واقع شود:

۱- ملت مسلمان ایران باید صفوف خود را بیش از پیش فشرده و متحد نماید و به عناصر احمقان فریب خورده و مزدور اجازه ندهد تا بمهانه‌های واهی و پوچ در جبهه متحد آنان رخنه نمایند.

۲- از برخورد خصمانه با برادران ارتشی که دستشان به جنایت و خونریزی آلوده نشده جدا بپرهیزند و بلکه دست برادری به آنان بدهند و با کمک آنان در تقویت استقلال کشور و حفظ آن از حملات استعمارگران و تجزیه طلبان شرق و غرب کوشش نمایند.

۳- از افراد پلیس و ارتش می‌خواهیم که بیش از این راضی نشوند که خود را فدای رژیمی نمایند که ثروت و منافع مملکت را در انحصار خود و هزار فامیل خود قرار دادند و مملکت را به خاک سیاه نشانند. رژیمی که متغیر ملت است و ملت با فرزانم‌های پیایی بخصوص در تاسوعا و عاشورا و اربعین حسینی بی‌اعتباری و بی‌پایگی آن را ثابت نمود.

اینجانب ضمن اعلام همدردی با تمام خانواده‌های شهدای اخیر، مراتب تسلیت خود را به همه ملت ایران به ویژه اهالی شهرستان اصفهان و نجف آباد که روز یکشنبه ۲۲ صفر را به مناسبت چهلمین روز شهدای اخیر خود به سوگ می‌نشینند تقدیم داشته و امیدوارم هر چه زودتر پیروزی جنبش ما با تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی صبر نجات تمام مسلمین و مستضعفین جهان باشد. والسلام علیکم.

۲۰ صفر ۹۹

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۶: پیام معظله به مناسبت پایان اعتصاب ملت مسلمان و شجاع ایران، مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مسلمان ایران، برادران و خواهران گرامی

اکنون که به خواست خداوند قاهر غالب، نهضت انقلابی اسلامی شما که با خون شهیدان پاکتان آبیاری شد، به ثمر رسیده و از زیر بار استبداد و استعمار سرخ و سیاه رها شده‌اید، لازم است به نکات زیر توجه شود:

۱- حفظ و ابقا آزادی و عدالت تحصیل شده نیز بسته به مقدار رشد و فداکاری شما است.

۲- لازم است همه اقشار ملت همبستگی و وحدت کلمه خود را همچون گذشته حفظ نمایند و متوجه تحریکات دشمنان باشند زیرا اینکتنها سلاح دشمن ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی است.

۳- افراد غیر مسئول از بازداشت افراد بطور کلی خود داری نمایند و مطمئن باشند که افراد فاسد و لازم‌التعقیب، شناسایی شده و می‌شوند و بعزودی بازداشت و مجازات خواهند شد.

۴- پخش اسلحه و مهمات جنگی در بین مردم عادی، امنیت کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد و واجب و لازم است اسلحه و مهمات جنگی به مراکز و افراد تعیین شده از طرف کمیته‌های اسلامی تحویل گردد تا به مراکز و افراد صالحه انتقال یابد.

۵- از کارمندان و کارکنان و مسئولین محترم ادارات دولتی و موسسات عمومی تقاضا می‌شود که کاملاً بر کسار خسود مسلط شوند و در حفظ و پاسداری اموال دولتی و عمومی جدیت کنند و با احساس مسئولیت و روی باز با مراجعین خود مواجه شوند. از کار و انجام وظایف محوله فرار نکنند و در هر لحظه خدا را شاهد و ناظر رفتار خود بدانند.

۶- از تجار و اصناف و پیشه‌وران استدعا می‌شود در کسب و کار خود انصاف و عدالت را رعایت فرمایند و از کسبه‌های حرام و معاملات ربوی اجتناب کنند، از سد معابر عمومی پرهیز نمایند و با روی باز و اخلاق خوش با مراجعین برخورد نمایند و چون در اثر اعتصاب بازار و بانکها اوضاع سخت‌تر و چکها و مطالبات آشفته شده، با صلح و سازش با یکدیگر رفتار نمایند. طلبکاران به بدهکاران فشار نیاورند و بدهکاران نیز در پرداخت بدهکاریهای خود سهل‌انگاری و مسامحه نکنند.

۷- از کشاورزان محترم تقاضا می‌شود که در تولید محصولات کشاورزی و آرزاق عمومی و توسعه دامپروری کوشش نمایند و همیشه توکل به خدا داشته باشند و از حرام اجتناب نمایند و فعلاً به زمینهای شرکتهای زراعی و وسائل کشاورزی دولتی و جنگلها و کلیه اموال دولتی وابسته به شاه و اطرافیان دستبرد نزنند و در حفظ و حراست آنها کوشش نمایند، و نگذارند به یغما رود تا از طرف مراجع صالحه دینی تکلیف قطعی آنها تعیین شود. امید است همه شما این وظیفه ملی و دینی را به خوبی انجام دهید. همه شما پاسداران اموال عمومی و اسلامی هستید. خدایه همه شما اجر بدهد. بیش از همه ترقی و تعالی کشور وابسته به همست و جدیت کشاورزان و کارگران محترم است. شما هستید که با کوشش و فعالیت خود اوضاع اقتصادی کشور را سامان می‌دهید و کشور را از وابستگی اقتصادی به کشورهای استعمارگر نجات می‌دهید.

ضمناً توصیه می‌شود از ذبح حیوانات باردار اهلی و جنگلی و ذبح بره‌های شیرخوار حتی المقبور پرهیز شود زیرا این امر گذشته از جنبه عاطفی به اوضاع اقتصادی کشور لطمه می‌زند. خوب است با حس ترحم با حیوانات رفتار شود.

۸ از محصلین و دانشجویان و اساتید محترم تقاضا می‌شود اوضاع نابسامان دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها را مرتب کنند و سعی نمایند که احتیاج و نیاز کشور را از جهت نیروی انسانی رفع نمایند تا در سایه استقلال واقعی بتوانیم سرنوشت کشور را به دست خودمان تعیین کنیم. خداوند همه ما را در انجام وظایف اسلامی و انسانی خود پیروز و موفق فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۸ ربیع الاول ۱۳۹۹ ۵۷/۱۱/۲۷
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۷: پیام معظمله به مناسبت اولین سالگرد فاجعه خونین هفده شهریور، مورخه ۱۳۵۸/۶/۱۵
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْتَدُونَ
بسیایید اکنسورن که پیوند مکتب و خون در انقلاب اسلامی ما مستحکم گشته، رسالت خون و شهادت را عمیقاً درک کرده و در این لحظه‌های خون رنگ زمان که سرزمین اسلامی ایران، به خون هزاران شهید رنگین است پیام شهیدان را به گوش تاریخ برسانیم.

برادران و خواهران مسلمان، احساسات پرشور و بی‌شائبه‌ای که به مناسبت بزرگداشت شهدای به خون خفته هفده شهریور سال ۵۷ ابراز می‌دارید و شور و هیجانی که با اشک و سوز و فریاد همراه است بسیار انگیزنده و روحیه انقلابی شماست. روحیه‌ای که در طول مبارزات خستگی‌ناپذیر ملت مسلمان ایران به رهبری قائد اعظم حضرت امام خمینی همواره پشتوانه فریادها و خروشها و اقدامات و تصمیمات ما بوده است.

ملت مسلمان ایران، انقلاب اسلامی شما از همان نقطه‌ای آغاز شد که حرکت انقلابی توحید در ضلوعه تاریخ آغاز گشت یعنی گفتن نه در برابر پدیده، نظام، قدرت و تشکیلاتی که با نظام عقیدتی و سیاسی توحیدی راستین مغایرت دارد. موضع‌گیری پشت سنگر لا اله الا الله و نفی شرک طاغوت و استعمار در همه چهره و اشکال شرقی و غربی و چپ و راستش و شوریدن به بی‌عدالتی و استبداد و ستم در کل زمین و کل تاریخ.

توحید ابراهیمی، اسلام محمد و تشیع علی از این نقطه آغاز شد و موضع‌گیری قاطعانه و انقلابی مبارزان خداپرست همه ادوار تاریخ به قیمت خونها، اشکها، سوزها، کشتارها، قتل‌عامها، آتش‌سوزی‌ها، محرومیت‌ها، اعدام‌ها و آوارگی‌ها تمام شد تا امانت پاک خدا و رسالت انسان که بر کوه، زمین و زمان عرضه شده و تنها انسان پذیرای آن گشت سالم به دست انسان متعهد این قرن سپرده شود و اکنون شما ملت شجاع ایران امانت دار پاک باز و راستین این امانت بزرگ الهی بوده که در راه حفظ و حراست آن لحظه‌ای از پای ننشسته و بی‌دریغ حتی جان عزیز خویش را به پیشگاه این ودیعه آسمانی و توحیدی تقدیم می‌کنید. راستی فداکاریهای بی‌شائبه ملت غیور ایران قبل از پیروزی و پس از آن و امروز و بخصوص در برخورد با توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و شرکت در بسیج عمومی و جهاد مقدس غرب ایران، شایسته تقدیر و تجلیل است.

کشتار ۱۷ شهریور و فاجعه قتل‌عام جوانان سلحشور اسلامی هر چند از نظر زمانی یک پدیده گذشته تلقی می‌گردد ولی بدون شک این فاجعه یکی از تجلی‌گاههای بی‌کار حق و باطل و نبرد مستضعفین و مستکبرین بوده و همبای زمان و تاریخ و انسان پی‌آمدهای آن تداوم خواهد یافت چه آنکه از یک سو نمایانگر نقش استعماری و میزان تسلط آمریکا و اسرائیل در حکومت خودکامه شاه مخلوع است و از سوی دیگر بیانگر سلامت مکتب و اصالت خط مشی اسلامی نهضت و میزان ایمان و صداقت مبارزان راه خدا بوده که در برابر رگبار بی‌امان گلوله‌های آمریکایی و اسرائیلی پایمردی و مقاومت نمودند تا به درجه رفیع شهادت نائل گشتند. درود پیوسته کل انسانیت به روان پاک آنان که با خون خود رسالت شهادت و نقش موثر آنرا در تکامل نهضت انبیا و تشیع تجسم داده و به دنیا ثابت نمودند که ملتی پرخاشگر و انقلابی و مومن و صادق خواهد توانست بر یکی از عظیم‌ترین ارتشهای مجهز جهان پیروز گردد.

شما شهیدان بخون خفته راه خدا پیوند مکتب و خون که در تاریخ نهضت‌های شیعی و انقلابیهای توحیدی تنها در بعد ادبی و ذهنی از آن یاد می‌شود، به تبلور عینی و ملموس رسانید و با قطرات خون خویش بر تارک تاریخ حماسه جاودانگی ایدئولوژی اسلامی و نهضت حق طلبان شیعه را رقم زدید.

اکنون شب با یک دنیا افتخار و عظمت سر به تیره تراب نهاده و در قلوب آزادیخواهان ماوی گرفتارید و ما و شما وارث خون شهدا و عهددار بشر رساندن مکتب شما "شهادت" و فلسفه آن "مقاومت" و نتیجه آن "حکومت اسلامی" هستیم. اکنون ما پس از قرن‌ها انتظار که صاحبان زر و زور و تزویر صلابت ایمان و عفت و فکر و اندیشه و فرهنگ و اخلاق‌سازمان را به سنگ استبداد و سرنیزه خود شکستند، با عبور از گذرگاه خونین عاشورا که سندی زنده بر اصالت روح مقاومت و ایثار در برابر خدا و خلق بود، دیگر بار به هفده شهریور و میدان شهدا قدم نهاده و خود را در صحنه یک جهاد مداوم با همه جباران و خونخواران و ابرقدرتهای تاریخ یافته و با فریادی از خون برخاسته از خنجره شما بار دیگر سخن شما را تکرار می‌کنیم: سوگند به خون و خونین پیام شهدا و مقاومت و محرومیت که خط رهبری و امامت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی را تا حصول پیروزی‌نهایی دنبال خواهیم کرد. سوگند به نیرو بخش جهان و آفریدگار نیروها که اجازه نخواهیم داد یک لحظه رسالت مقدس شهادت و فلسفه مقاومت فراموش گردد.

سوگند به طراوت خون شهید و روح پرخاشگر انقلابی که توطئه‌های اهریمنان و سیاستهای توسعه طلبانه و تجزیه گری و پیمانهای شوم مثلث ابرقدرتها را نه تنها با دست و فریاد که با خون و آتش متلاشی خواهیم کرد. سوگند به عنصر مقاومت و محرومیت که هرگز خاضع تلخ و وحشتناک استعمار زدگانی چون خلق قهرمان فلسطین، فیلیپین، افغانستان، بریتانیا، فطانی و ... را از یاد نبرده و با تمام امکانات آنان را یاری خواهیم کرد.

سوگند به عاشورا و کربلا و میدان شهدا که دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران را در جز جز خاک گرامی این صرزد و بوم پاسداری خواهیم کرد.

سوگند به مستضعفین، محرومین و منکوبین همه تاریخ که سیاست پلید آمریکا و اسرائیل در کردستان و دیگر نیرنگهای محافل جاسوسی شرق و غرب ما را از راه مقدس منحرف نخواهد نمود و سوگند به حق همه پیامبران بر حق خدا و ائمه بزرگ شیعه و رهبران وادی توحید که راه شهیدان را تا آخر ادامه خواهیم داد.

”وعدا لله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم.“ والسلام علی من اتبع الهدی

۵۸/۶/۱۵ ۱۴ شوال ۱۳۹۹

تهران، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۸: متن اعلامیه اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم درباره خلع محمدرضا شاه از مقام سلطنت، مورخه ۱۹/۹/۱۳۵۷، ۱۹ محرم الحرام ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بیش از یک سال است که ملت مسلمان ایران به پا خاسته و مخالفت خود را با شاه صریحا اعلام داشته است، و این اظهار مخالفت به صورت تعطیلات سراسری و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی و دادن شعارهای ضد شاه و تصویب قطعنامهها و اعتصابات در کارگاهها و ادارات و موسسات دولتی و خصوصی و گونههای دیگر انجام گرفته است، در همه شهرستانها این ملت به پا خاسته با آتش اسلحه گرم دولت شاهمواجه، و هزاران شهید و به مراتب بیش از آن مجروح و مصدوم داده است.

با تمام این مصائب، ملت نستوه و آگاه ایران داوطلبانه و شجاعانه در دو روز تاسوعا و عاشورای سلسل جاری (۱۹ و ۲۰ آذر ۱۳۵۷) راهپیمایی عظیم و بیسابقه‌ای را در سراسر کشور ترتیب داد، و با صراحت هر چه تمامتر در غالب شعار، پلاکارد و قطعنامه مخالفت خود را با شخص شاه رژیم شاهنشاهی بیان داشت و خواستار تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری نایب الامام حضرت آیتالله العظمی خمینی دام‌ظلم شد. ملت ایران در این رفراندوم صددرصد آزاد که مورد تصدیق مراجع عالیقدر بوده و خبرگزاریهای بزرگ دنیا هم گزارش آن را داده‌اند رای صریح خود را داد. ما امضاکنندگان ذیل با در نظر گرفتن رفراندوم مذکور وظیفه مذهبی و ملی خود می‌دانیم که رسماً به شخص شاه و دولت و ارتش و مقامات وزارت کشور و همچنین به دولتهایی که با کشور ما رابطهای در حد تبادل سفیر دارند از طریق سفارتخانهها ابلاغ نماییم که:

۱ شاه و رژیم شاهنشاهی به هیچ وجه پایگاهی در میان ملت ندارد، و مردم حتی در زیر فشار سرنیزه و مسلسل هم آن را تحمل نمی‌کنند، و قهراً شاه از مقام خود مخلوع و سلطنت او غیر قانونی است و فوراً باید کناره‌گیری خود را اعلام دارد و بساط شاهنشاهی برای همیشه باید از این مملکت برچیده شود.

۲ هر چه زودتر می‌بایست حکومت جمهوری اسلامی زیر نظر نایب الامام حضرت آیتالله العظمی خمینی دام‌ظلمه تشکیل گردد.

۳ دولت نظامی از هاری و هر دولت دیگری به هر نحو شکل بگیرد غیر قانونی است.

۴ امرای ارتش و افسران و درجه‌داران و سربازان که ارتش ملتند لازم است به ملت پیوندند و به هیچ وجه از شاه مخلوع و رژیم مردود اطاعت و جانبداری نکنند و تمام نیروی خود را برای برآوردن خواستههای ملت بسیج نمایند.

۵ کلیه استانداران و فرمانداران و بخشداران و روسای دوایر که خدمتگزاران ملتند لازم است به ملت پیوسته، از دولت غیر قانونی اطاعت نکنند.

۶ دولتهای خارجی توجه داشته باشند که شاه و دولت او از نظر ملت ایران غیر قانونی و غاصب می‌باشند و هرگونه همکاری و پشتیبانی از شاه نقض حقوق بشر و دشمنی با ملت ایران است، و هر نوع قرارداد سیاسی نظامی و اقتصادی و فرهنگی و غیر آن با دولت او از نظر ملت ایران ارزش و اعتبار قانونی نخواهد داشت.

مسلم ملکوتی، حسین نوری، محمد شاه آبادی، مهدی حسینی روحانی، حسینعلی منتظری، ابوالفضل النجفی الخوانساری، سید سیدالله مدنی، مصلحی اراکی، علی احمدی میانجی، هاشم تقی‌دیری، محمد حسین مسجد جامعی، حسین راستی کاشانی، محمد محمدی گیلانی، ابوطالب تجلیل، محسن دوزدوزانی، محمد مهدی ربانی، عباس محفوظی، محمد مومسن، مرتضی بنی فضل، رضا استادی، سید ابوالفضل موسوی، سید حسین برقی، حسن تهرانی، احمد آذری قمی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی، محمد فاضل، محمد یزدی، محسن هرمی‌نایی، محمد علی شرعی، علی مشکینی، احمد جنتی، سید یوسف مننی تبریزی، رضا بها الدینی، سید محمد ابطحی کاشانی، رضا توسلی سید محمد تقی شاهرخی، ابوالقاسم خزعلی، صادق خلغالی.

پیوست شماره ۴۹: متن تشکر و اعتذار معظمه از علمای محترم و مردم شریف و قهرمان غرب ایران

بسمه تعالی

اینجانب پس از بازگشت از زیارت مرجع و قائد عالیقدر اسلام حضرت آیتالله العظمی آقای خمینی در پاریس، و پس از زیارت مشاهد مشرفه علی مشرفها آلف التنا و التحیه در سوریه و عراق، با علمای اعلام و احساسات گرم مردم شریف شهرهای غرب کشور مواجه شدم و بمخاطب مسئولیتهای فوری و سنگینی که به عهده‌ام بوده نتوانستم از احساسات و عواطف آقایان کما هو حقه قدر دانی کنم، لذا بدینوسیله مراتب اعتذار و تشکر عمیق خود را از علمای اعلام و برادران و خواهران شهرهای: قصر شیرین، سریل ذهاب، اسلام آباد، کرمانشاه، کنگاور، مریانج همدان و ساوه اعلام می‌دارم.

شکی نیست که ایمان و استقامت و فداکاریهای جانی و مالی شما و دیگر برادران و خواهران سراسر کشور بود که جنبش اسلامی

ملت ما را در پرتو رهبری قاطعانه علمای اعلام و آیات عظام بالاخص آن زعیسم عالیقدر به اوج خود رساند و دشمن را در همه سنگرهای استبدادی و استعماری خود شکست داد.

امید است به زودی شاهد پیروزی نهایی و برقراری حکومت جمهوری عدل اسلامی باشیم و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۷ صفر ۱۳۹۹

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۰ : پیوست شماره ۵۰ : نامه فقیه عالیقدر به امام خمینی مبنی بر عذرخواهی از عدم عضویت رسمی در جلسات شورای انقلاب

باسم تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی
پس از سلام، بر حسب گفته آقایان حجت الاسلام خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی (دامتافاضاتهما) حضرت تعالی امر فرموده‌اید که من عضو رسمی شورای انقلاب باشم، البته من از اوامر حضرت تعالی ماییل نیستم تخلف کنم ولی شرایط و وضع مزاجی من با کار سنگین و زیاد تناسب ندارد، و من چنانچه به آقایان گفته‌ام حاضر تا پایان انتخابات و استقرار اوضاع کشور در تهران بمانم و با آقایان همکاری کنم و در جلسات آنان نیز حتی المقدور شرکت کنم ولی عضویت رسمی را صلاح نمی‌دانم، و بلکه اگر عضو رسمی باشم از بسیاری از همکاریها باز خواهم ماند لذا چنانچه صلاح بدانید مرا از قبول عضویت رسمی معذور بدانید و السلام علیکم و ادام الله ظلمکم.

۱۹ ذی الحجه ۱۳۹۹

حسینعلی منتظری

بعدا ایشان زیر همین ورقه نوشته‌اند:

بسم تعالی

عضویت رسمی به این معنی نیست که جنابعالی در تمام جلسات حاضر باشید بلکه مطالب با مشورت شما انجام گیرد، و بودن جنابعالی بمصلحت اسلام و ملت است ولی اختیار با خود شماست، هر طور صلاح می‌دانید عمل فرمایید و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

پیوست شماره ۵۱ : متن اعلامیه معظمله درباره پیوستن ارتش ایران به صفوف ملت و مطلع نمودن آنان به جنایات رژیم شاه مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

الجنود باذن الله حصون الرعيه و زين الولاه و عز الدين و سبل الامن... نهج البلاغه "ارتش با الهام از مکتب الهی دژ محکم ملت و مایه سربلندی زمامداران و عظمت و مجد دین و برقراری آرامش کشور است."

برادران ارتشی، افسران، همافران، درجداران و سربازان شریف، در این لحظات حساس که نسیم حیات و آزادی از قطرات خون هزاران شهید که در راه تحقق ارزشهای الهی و آزاد ساختن کشور از یوغ اجانب به پیکره این سرزمین می‌وزد، در این فرصتی که با فداکاریهای همه جانبه جمیع اقشار ملت آرزوی دیرینه ملت مسلمان مبنی بر به دست گرفتن سرنوشت خویش و طرد جمیع عسسال استعمار جهانی از کشور در پرتو تشکیل جمهوری عدل اسلامی به رهبری قائد بزرگ حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی در آستانه تحقق قرار گرفته، در این هنگام که امید است ارتش غیور و مسلمان ما شخصیت اسلامی خود را باز یابد و از شکل استعماری و عامل اجرای مقاصد ضد مردمی دشمنان اسلام بودن به درآید و در راه حفظ منافع اسلامی و ملی مردم مسکوشا باشد و از آثار ننگ کابیتولاسیون تحمیلی (مصونیت قضایی مستشاران نظامی آمریکا) برای همیشه خود را پاک گرداند در این مرحله حساس انقلاب که ملت مسلمان ایران خود را برای بزرگترین استقبال تاریخی از رهبر انقلاب اسلامی خود آماده می‌کند تا با ادامه رهبری قاطع معظمله از نزدیک و همت شما برادران ارتشی و سایر اقشار ملت به نوسازی کشور پرداخته و ملت محروم را از وضع موجود نجات دهد، و بالاخره در این زمان که ملت به حکم وظیفه شرعی و فرمان رهبر بزرگوارش ارتش را از خویش و خود را از ارتش جدا نمی‌بیند و از ارتشیان آزاده با آغوش باز استقبال می‌کند، مشاهده می‌شود که دولت غیرقانونی و ضد ملی کنونی، شما را همچون گذشته وسیله ارباب و تهدید و کشتار مردم قرار داده، و حتی به دست برخی از مزدوران و فریب خوردگان به اسم شما برادران فرودگاههای کشور را بسته و مانع تشریف فرمایی رهبر انقلاب اسلامی ایران گشته، و به وسیله مزدوران خود مردمی را که در حال تدارک استقبال بودند به گلوله بستند و عده‌ای را کشتند تا از این راه مردم را به عقب نشینی وادارند، ولی ملت مسلمان ایران چون برای خدا و رفاه خلق خدا به رهبری آیات عظام خاصه قائد بزرگ قدم برداشته و مستحمل هزاران قربانی و محرومیت‌های فراوانی شده، همچنان به پیش رفته و به فکر عقب‌نشینی نمی‌افتد. این آزاریها و اویسی‌هایند که پس از ایجاد صحنه‌های قتل عام کشتار و وحشیانه مردم، چون خود را در بین ملت، منفور و از صفوف ارتش مسلمان جدا می‌دیدند، یا به فرار نهاده و با خارج نمودن ثروت‌های غارت شده محروم همچون دیگر غارتگران بیت‌المال و در راس آنان شاه خائن در بیلاقیهای خارجی به عیاشی مشغولند که البته دیری نخواهد گذشت که به خواست خدا و همت ملت مسلمان و مبارز ایران به کشور کشانده شده و در دادگاه عدل اسلامی محاکمه خواهند شد.

ارتشیان آزاده آیا شما تا چند سال پیش و حتی هم اکنون مورد اهانت و آزار چنین فرماندهانی نبودید؟ آیا مستشاران نظامی آمریکا که اکنون در اثر مبارزات جرات خروج از منازل خود را ندارند تا دیروز بر شما ارتشیان محترم حکومت مطلقه

نداشتند؟ آیا نمی‌دانید که این مستشاران با گرفتن حقوقهای گزاف صد هزار تومانی به بهترین وجه زندگی می‌کنند و در مقابل، شما که از ملتید و صاحب این ثروتها می‌باشید باید از جهت مخارج مادی و مسکن در تنگنا قرار گرفته و به بدترین نحو زندگی نمایید؟ آیا در طی سالهای متعددی برای شما برادران مسلمان که باید نمونه عالی یک سرباز رشید اسلام باشید امکان کسب معنویات و فضایل انسانی گذاشته‌اند؟ و آیا کوشش نکرده‌اند تا شما را با فرهنگ ضد اسلامی شاهنشاهی تربیت نمایند و کورکورانه در خدمت مشتی فرمانده فاسد و از خدا بی‌خبر قرار دهند؟ آیا در سالهای گذشته که بودجه کشور به جیب مستشاران نظامی خارجی ریخته می‌شد به شما کوچکترین اعتنایی می‌نمودند؟ اگر می‌بینید اینک به ظاهر به فکر شما افتاده و رعایت حال شما را می‌کنند این نیز از ثمرات مبارزات مردم بوده، و به منظور اغفال و دور نگهداشتن شما از امواج انقلاب اسلامی ملتصورت می‌گیرد، و بالاخره آیا اسلحه‌ای که در دست شماست و از پول این ملت ستمدیده مسلمان تهیه شده و باید در راه حفظ استقلال کشور دفاع از ملت از آنها استفاده شود سزاوار است که در راه حفظ منافع و اجرای توطئه‌های ابرقدرتهای شرق و غرب و حفظ شخص خانی که کشور را در آستانه سقوط مادی و معنوی قرار داد به کار رود؟ شخصی که ثروتها و منابع طبیعی را در انحصار خود و خانواده و اطرافیانش قرار دادو آنها را به بانکهای خارجی سرازیر نمود برادران عزیز در طول ۵۰ سال گذشته استبداد سیاه که روحانیت و همه آزادیخواهان در ایران مورد هجوم وحشیانه عوامل خاندان تنگین‌پهلوی بودند، گشسته می‌دادند و اسارت و شکنجه تحمل می‌کردند، آیا جز برای آن بود که منابع کشور و عقاید ملت مسلمان در حال غارت شدن بود؟ و مگر نه این است که رهبر ملت ایران برای دفاع از حیثیت و شرافت و استقلال این کشور و به جرم اعتراض به تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون از کشور خود به خارج تبعید شد؟ شما باید بدانید که اینک ارتش بر سر دو راهی قرار گرفته، راه خدا و اسلام و استقلال کشور که همان راه ملت و رهبر آن است و راه اربابان رژیم‌دست نشانده موجود که راه طاغوت و بردگی و اسارت و کشتار ملت است که در نتیجه به ضرر ارتش و به قیمت سقوط حیثیت و وابستگی آن تمام می‌شود.

ملت ما، علاوه بر دادن هزاران قربانی و خسارت زیاد که هم اکنون از طریق سلاح نفت یکی از موثرترین ضربه‌ها را به حامیان رژیم فاسد زده در انتظار است شما برادران ارتشی نیز هر چه بیشتر با توجه به هویت اسلامی و ملی خود دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایید، تا این سلاح قوی که دشمن بدان متکی بوده و هست، همچون سلاح نفت در خدمت اسلام و مردم درآید، که خوشبختانه طبیعه آن را در تظاهرات و اعتصابات و راهپیماییهای مکرر برادران ارتشی در شهرهایی نظیر تهران، اصفهان، همدان، شیراز و ... می‌بینیم، و امید است با یکپارچگی و تشکل همه جانبه ملت و ارتش به زودی پرچم جمهوری عدل اسلامی به رهبری حضرت آیتالله العظمی خمینی در ایران به اهتزاز درآید تا همگی با فراست کامل و برخورداری از امکانات موجود، برای اجرای قوانین عبادت‌الله اسلامی در کشور خود بکوشیم. از خداوند متعال سربلندی و شرافت استقلال ارتش ایران را خواستارم بوالسلام علیکم و رحمته و برکاته

۲۷ صفر ۱۳۹۹

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۲ : تلگرام مرحوم آیتالله حاج شیخ جواد تهرانی به حضرات آیات آقایان منتظری و صدوقی و سایر علما، در حمایت از تحصن آنان در مسجد دانشگاه تهران، مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۶

بسمتعالی

حضرت آیتالله منتظری و آیتالله صدوقی و سایر علمای اعلام و برادران متحصن تحصن آقایان گرامی در مسجد دانشگاه تهران به منظور اعتراض به مشکلاتی که حکومت غیرقانونی بختیار، در راه بازگشت حضرت آیتالله العظمی آقای خمینی (دامتبرکاته) ایجاد نموده، اقدام آگاهانه‌ای است که مورد حمایت همه طبقات ملت است.

ما ضمن محکوم کردن کشتار وحشیانه اخیر تهران و بقیه نقاط کشور به وسیله دژخیمان این نظام غیرقانونی، پشتیبانی خود را از هدفهای مقدس آن تحصن، که هدف همه ملت ایران است، قویا اعلام می‌کنیم، و چنانچه این حکومت دست نشانده همچنان به روش خائنانه خود ادامه دهد بدون شک تصمیمات لازمه اتخاذ خواهد گردید.

جواد تهرانی، از طرف جامعه روحانیت مشهد

پیوست شماره ۵۳ : حکم امام امت (ره) درباره نصب معظم له به امامت جمعه تهران، مورخه ۱۳۵۸/۶/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجج الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامتافاضاته

مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام به رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد. تکلیف پاسداری از اسلام به عهده همه ماست، و من شما را که مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می‌دانم برای دژ محکمی که آن فقید سعید پاسدار آن بود انتخاب و منصوب نمودم. نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هرچه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت گمان نکند که نماز جمعه یک نماز عادی است، نماز جمعه بسا شکوهمندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی عامل موثر و بزرگی است. ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیمتر و بلندپایهتر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه‌های خائنانه و دسیسه‌های مفسدان خنثی شود. از خداوند تعالی دوام نهضت و عظمت اسلام را خواستارم.

۲۱ شهریور ماه ۱۳۵۸

روح الله الموسوی الخمينی

پیوست شماره ۵۴: متن استعفانامه معظمه از امامت جمعه تهران، مورخه ۱۳۵۸/۱۰/۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مقدس آیتالله العظمی حضرت امام خمینی مدظله العالی
پس از سلام به عرض می‌رساند ضمن تجدید تشکر از اینکه حضرتعالی اینجانب را به عنوان امام جمعه تهران نصب فرمودید، چون من علاقه مفراط دارم که در حوزه علمیه قم باشم و به مباحثات و مذاکرات علمی ادامه دهم لذا از محضر حضرتعالی تقاضا می‌کنم یک نفر از آقایان واجد شرایط را به عنوان امام جمعه تهران برای ادامه نماز جمعه در دانشگاه تعیین فرمایید. ادام‌الله‌تکلم.

۲۳ دیماه ۵۸ برابر با ۲۴ صفر ۱۴۰۰ دق

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۵: نامه معظمه به امام خمینی در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک آیتالله العظمی امام خمینی مدظله العالی
پس از سلام، بر حسب نگرانی حضرتعالی از مسائل اصفهان و امر شما نسبت به حل آنها جلسهای با حضور آقایان (با حذف السقاب) طاهری اصفهانی، پرورش، ناطقنوری، طاهری خرم‌آبادی، ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ عبدالله نوری و حاج احمد آقا تشکیل شد و پس از مذاکرات مفصل و بیان اشکالات چنین بنظر رسید که ریشه عمده اختلافات روحانیت مبارز اصفهان که محور آن آقای طاهری است و حزب جمهوری اسلامی که محور آن آقای پرورش است می‌باشد، لذا تصمیم گرفته شد که من طی دو نامه از آقایان طاهری و پرورش جداخواهم که این دو ارگان را هم‌آهنگ و در یکدیگر ادغام کنند و آقایان هم پذیرفتند. امید است بزودی مشکل حل و نگرانی حضرتعالی بکلی برطرف گردد. والسلام علیکم و ادام‌الله‌تکلم

۱۳ شوال ۱۴۰۲

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۶: نامه معظمه به آیتالله طاهری در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب آیتالله طاهری امام جمعه محترم اصفهان دامت برکاته
پس از سلام، بر حسب نگرانی عمیق حضرت آیتالله العظمی امام خمینی مدظله العالی نسبت به مسائل اصفهان و امر معظمه به حل سریع آنها و مذاکراتی که در جلسه منعقد در ۶۱/۵/۱۱ با حضور جناب‌عالی و آقای پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش و حجج اسلام آقایان طاهری خرم‌آبادی، ناطقنوری، ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ عبدالله نوری و حاج احمد آقا خمینی دامت‌افاضاتهم انجام شده مستدعی است جنابعالی با همکاری آقای پرورش هرچه زودتر دو ارگان انقلابی اصفهان: روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی اصفهان را هم‌آهنگ و در یکدیگر ادغام کنید، و از عناصر و اعضای این دو ارگان انقلابی اصفهان ضمن تقدیر و تشکر از خدمات ارزنده آنها به انقلاب تقاضا می‌کنم که به پاس خون شهدای انقلاب و بعد از انقلاب در این امر حیاتی که به سود انقلاب و خواست رهبر انقلاب است با شما و آقای پرورش همکاری نمایند. والسلام علیکم و علیهم ورحمات‌الله و برکاته

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۷: نامه معظمه به آقای پرورش در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب آقای سید علی اکبر پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش دامت‌توفیقه پس از سلام، بر حسب نگرانی حضرت آیتالله العظمی امام خمینی مدظله العالی نسبت به مسائل اصفهان و امر معظمه به حل سریع آنها و مذاکراتی که در جلسه منعقد در ۶۱/۵/۱۱ با حضور جناب‌عالی و آیتالله طاهری و حجج اسلام آقایان طاهری خرم‌آبادی، ناطقنوری و ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ عبدالله نوری و حاج احمد آقا خمینی دامت‌افاضاتهم انجام شد لازم است جنابعالی هرچه زودتر ضمن سفری به اصفهان به معیت و همکاری آیتالله طاهری، دو ارگان انقلابی اصفهان یعنی روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی را هم‌آهنگ و در یکدیگر ادغام کنید و از عناصر و اعضای این دو ارگان انقلابی، ضمن تقدیر و تشکر از خدمات ارزنده آنها به انقلاب تقاضا می‌کنم که به پاس خون شهدای انقلاب و بعد از انقلاب در این امر حیاتی که به نفع انقلاب و خواست رهبر انقلاب است با شما و آیتالله طاهری همکاری نمایند.

شکرالله مساعیکم و مساعیهم، و بجاست جنابعالی در نماز جمعه اصفهان شرکت و پیش از آن سخنرانی کنید تا بدین وسیله بعضی سو تفاهات محتمله برطرف گردد. والسلام علیکم ورحمات‌الله و برکاته.

۱۳ شوال ۱۴۰۲

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۸: اعتبارنامه نمایندگی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، وزارت کشور

اعتبارنامه نمایندگی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

بر اساس فرمان رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و دستور شماره ۱۳۹/م مورخ سیزدهم تیرماه هزار و سیصد و پنجاه و هشت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخستوزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و بر طبق قانون انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ایران مصوب هفتم تیر ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران و برحسب نامه شماره ۱۳۱۱/۵۲۶۳/۵۳ مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۸ جناب آقای مهندس هاشم صباغیان وزیر کشور، انتخابات نمایندگی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی حوزه انتخابیه استان تهران برگزار گردید و ما اعضا کنندگان زیر، اعضای انجمن نظارت گواهی می‌دهیم که حضرت آیت‌الله حسینعلی منتظری نجف‌آبادی فرزند علی دارای شناسنامه شماره ۷۵۸۴ متولد سال ۱۳۰۱ در انتخابات این حوزه که در تاریخ دوازدهم مرداد ماه ۱۳۵۸ انجام شده است با اکثریت ۱۶۶۳۴۲۳ رای از مجموع ۲۵۲۵۳۸۱ رای به نمایندگی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردیده و انتخاب نامبرده با رعایت مقررات قانون و آئین نامه ستاد مرکزی انتخابات کشور بعمل آمده است و مشروح برگزاری این انتخابات نیز در صورت جلسه پایان انتخابات حوزه انتخابیه استان تهران مندرج می‌باشد.

بتاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵
امضای اعضا و مهر انجمن نظارت
امضای فرماندار و مهر فرمانداری
ایرج تبریزی

پیوست شماره ۵۹: جزوه "مجموعه دو پیام"، نظرات معظمه راجع به پیش‌نویس قانون اساسی
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولین پیام و نظریات آیت‌الله منتظری نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۵۸/۴/۱
ملت مسلمان ایران

اینک که پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است از همه برادران و خواهران اسلامی که اهل نظر می‌باشند انتظار می‌رود متن آن را که زیربنای حکومت آینده کشور است به دقت مورد مطالعه قرار دهند و نظریات خودشان را اعلام فرمایند. طبیعی است که مسلمان واقعی هم از مسامحه و مجامله به دور است و هم از تعصبهای جاهلانه، و هدفی جز روشن شدن حق و حقیقت ندارد. اینجانب نیز به سهم خود نسبت به چند اصل از اصول آن، نکته‌هایی را تذکر می‌دهم و از برادران و خواهران اسلامی بخصوص برادران اهل سنت استدعا دارم منصفانه و برادرانه قضاوت فرمایند.

۱ اصل ۱۳ چنین است:

دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از زیدی، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی معتبر و محترم است و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق این مذاهب خواهند بود ولی در احوال شخصیه و در تعلیم و تربیت دینی هر مسلمانی در هر نقطه از ایران بر طبق مذهب اسلامی خود عمل می‌کند.

این اصل بسیار منصفانه تنظیم شده است، فقط جمله ذیل لازم است اضافه شود: «و این اصل تا ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه باقی است و به هیچ نحو قابل تغییر نیست. در اینجا دیده می‌شود بعضی از برادران اهل سنت اصرار دارند که به (اسلام) اکتفا شود و از مذهب نسائی به میان نیاید و می‌گویند: تسنن و تشیع و ژوهایلی است که خود ساختیم، در اینجا خاطر برادران و خواهران را به دو نکته متوجه می‌کنم:

نکته اول: با اینکه مسلمین همه برادرند و در اسلام شرکت دارند ولی انشعاب مسلمین به مذاهب مختلفه واقعیتی است انکار ناپذیر. فقه جعفری با فقه شافعی یا مالکی یا حنبلی تفاوت دارد و همچنین خود مذاهب چهارگانه اهل سنت با یکدیگر اختلاف دارند و قهراً هر مسلمانی در مقام عمل یکی آنها را مقیاس عمل خود قرار می‌دهد و در نتیجه چون اکثریت قاطع مردم تابع فقه جعفری هستند باید در شئون مربوط به آنان چند مجلس قانون‌گذاری و چه در دادگستری فقه جعفری مورد عمل قرار گیرد بدون اینکه حقوق سایر برادران تضییع شود، و این امر به خوبی در متن اصل ۱۳ ملحوظ شده است، چنانچه در هر یک از کشورهای اسلامی دیگر چون مراکش، مصر، عربستان سعودی، یمن، عمان، پاکستان، افغانستان و اندونزی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت مذهب رسمی است بدون اینکه مزاحم سایر مذاهب باشند.

چرا وقتی که یکی از مذاهب چهارگانه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی بر اساس اکثریت پیروان در کشوری رسمیت پیدا می‌کند اشکالی در میان نیست ولی هنگامی که مذهب جعفری که متکی بر فقه اهل بیت پیغمبر است بر مبنای اکثریت پیروان مذهب رسمی تلقی می‌شود داد و فریاد راه می‌افتد؟

نکته دوم: واژه "شیعه" چیزی نیست که ما ساخته باشیم بلکه ریشه آن در کلام پیغمبر اکرم (ص) است، از باب نمونه جلال الدین سیوطی در کتاب در المنثور در تفسیر سوره بینه می‌فرماید: "و اخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي صلى الله عليه و آله فاقبل علي (ع) فقال النسبي (ص) :والذي نفسي بيده ان هنا وشيعته لهم الفاترون يوم القيامة واخرج ابن عسدي عن ابن عباس قال لما نزلت "ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البريه" قال رسول الله (ص) كملوا (ع) هو انت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين."

و در حدیث معروف "ثقلین" از طرق شیعه و سنی به نحو توازن از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است، چنانچه مسلم و ترمذی و احمد حنبلی و بسیاری دیگر از مولفین اهل سنت از سی و چهار نفر از اصحاب پیغمبر از جمله: زین‌الدین ارقم، ابوسعید خدری و جابر بن عبد الله از پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند و خلاصه مجموع متون نقل شده بدین مضمون است:

”من از میان شما می‌روم و دو چیز نفیس در میان شما باقی می‌گذارم که اگر بدانها تمسک جویند گمراه نخواهید شد (کتاب خدا و عترت من) این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا بر من وارد شوند.“ در این حدیث شریف عترت پیغمبر در عرض کتاب خدا قرار داده شده که باید امت پیغمبر بدان تمسک جویند و بدین وسیله راه حق پویند.

و از این جهت است که شیعه امامیه قرآن مجید و سنت پیغمبر و دستورات عترت آن حضرت را اساس فقه خود قرار داده‌اند، پس مسأله تشیع و پیروی از امامان شیعه خود ساختگی نیست بلکه ریشه آن فرموده‌های پیغمبر اکرم (ص) است و در حقیقت شیعه امامیه به کتاب خدا و سنت پیغمبر عمل می‌کنند و سنت آن حضرت را از راه عترت و اهل بیت آن حضرت به دست می‌آورند، و اهل البیت ادوی بها فی البیت.

آری فقه عترت و اهل بیت پیغمبر در مقایسه با فقه فقها دیگر همچون ابرحنیفه، مالکینانس، شافعی و احمد حنبل به واقع و سنت واقعی پیغمبر نزدیکتر است.

و لکن سیاستهای ضاغوتی و شیطانی خلفای اموی و عباسی اهل بیت پیغمبر را کنار زدند و نسبت به آنان سانسور شدید اعمال می‌شد و قهرای پیروان آنان در اقلیت قرار گرفتند، و امامان شیعه با اینسکه خود را احق می‌دانستند ولی برای حفظ اتحاد و وحدت کلمه و عظمت و شوکت مسلمین سفارش می‌کردند که شیعیان آنان با سایر مسلمین همگام باشند و رفت و آمد خود را حفظ کنند و در جماعت و جمعه آنان شرکت نمایند تا مبادا دشمنان اسلام از تفرق و اختلاف آنها سو استفاده نمایند، و همین است وظیفه همه مسلمین در عصر حاضر و گرنه استعمارگران شرق و غرب از آب گل آلود ماهی می‌گیرند. بالاخره ما بر حسب وظیفه اسلامی و دستور انماطهار سلام الله علیه دست همبرادران مسلمان خود را می‌فشاریم ولی این وظیفه مانع از آن نیست که آنچه را که انسان تشخیص می‌دهد حقیقت است بیان نکند، زیرا کتمان حقیقت خود گناهی است بزرگ. ”ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیننا للناس فی الکتب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون“

تا اینجا مربوط بود به اصل سیزدهم، و ضمناً از اطلاع سخن معذرت می‌خواهم.

۲ آنچه در ذیل اصل ۱۴۷ قید شده: ”درخواست مراجعه به آراء عمومی باید از طرف رئیس جمهور یا دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد“ بهتر است ذیل اصل ۱۷ ذکر شود.

۳ در اصل ۲۶ راجع به آزادی تشکیل انجمنهای دینی باید قید شود: ”دینهای رسمی کشور، زیرا ادیان غیر رسمی ممکن است از این اصل سو استفاده کنند.“

۴ در اصل ۲۶ که مراتع از اموال عمومی شمرده شده است لازم است مراتع وابسته به دهات که جز مراتع آنها محسوب است استثناً شود زیرا مالکین دهات به این قبیل مراتع احقند و جنبه عمومی ندارد.

۵ در اصل ۴۸ اجمال شرایط انتخاب شوندگان درست نیست، بلکه لازم است شرایط آنها از جهت سن و مذهب و سواد داشتن و آشنا بودن به مسائل اسلامی و حسن سابقه اخلاقی و دینی ذکر شود.

۶ در اصل ۷۶ راجع به شرایط رئیس جمهور باید اضافه شود: ”چون اکثریت قاطع ملت ایران جعفری مذهبند رئیس جمهور باید جعفری مذهب و دارای حسن سابقه اخلاقی و دینی و کاملاً آشنا به مسائل اسلامی و چه بهتر که مجتهد باشد در مسائل اسلامی“، و همچنین در اصل ۱۰۶ راجع به شرایط نخستوزیر.

۷ پس از اصل ۱۲۵ یک اصل اضافه شود و در آن شرایط افسران و سران ارتش از جهت مذهب و اخلاق ذکر شود.

۸ در فصل هشتم راجع به قضات یک اصل اضافه شود و در آن شرایط قاضی از جهت مذهب و اخلاق عمومی و آشنایی به مسائل اسلامی ذکر شود و اینکه بالاخره باید قضات از طرف مجتهدین تعیین شوند.

۹ در اصل ۱۴۲ راجع به شورای نگهبان قانون اساسی گفته شده که تشکیل می‌شود از پنج نفر علمای طراز اول منتخب از میان علمای پیشنهاد شده از طرف مراجع تقلید و شریف از صاحب نظران منتخب از طرف مجلس شورا.

در نتیجه علمای طراز اول که باید نظارت کنند بر قوانین موضوعه در مجلس، در این شورا در اقلیت می‌باشند در صورتی که در قانون اساسی سابق علمای طراز اول مستقل بودند و حق ”وتو“ داشتند نسبت به قوانین موضوعه.

از خداوند متعال موفقیت و پیروزی همه مسلمین را چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم ورحمات الله وبرکاته

۲۷ رجب ۱۳۹۹ قم،

حسینعلی منتظری

دومین پیام:

بسمه تعالی

برادران و خواهران

پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی ایران به همه برادران و خواهران تذکر دادم که چون قانون اساسی زیربنای سیاست آینده کشور است لازم است اهل نظر به مقدار امکان در اصول آن دقت کنند و بدون اعمال حب و بغض بلکه فقط به منظور کتمان نکردن حقیقت آنچه را بمنظرشان می‌رسد تذکر دهند و خود اینجانب نیز در نظر سطحی اول نکته‌هایی را تذکر دادم و اینک باز نکته‌هایی را یاد آور می‌شوم:

۱ چون انقلاب اسلامی ایران راحت و رایگان به دست نیامد بلکه متجاوز از سی هزار شهید و هزاران مجروح و میلیاردها تومان خسارت بجای گذاشت و ایمان، استقامت، اتحاد و همبستگی همه اقشار ملت و رهبری علما و روحانیین متعهد و مسئول بخصوص حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی مهمترین عوامل پیروزی نهضت بود، لذا لازم است قبل از هر چیز در مقدمه قانون اساسی تاریخچه مختصری از اختناق، فشارها، ظلم و جنایات، زندانها و شکنجه‌های دوران پهلوی و سپس قیام ملت و برخوردها، درگیریها و خسارات جانی و مالی و بالاخره عوامل پیروزی ملت ذکر شود تا نسل آینده متوجه فداکاریهای

نیاکان خود گردد و در حفظ و حراست دست آوردهای انقلاب کوتاهی نکند.

۲ در اصل ۳ ذکر شده است: "آرا عمومی مبنای حکومت است" این نحو تعبیر با دموکراسی غربی که پایبند ضوابط خاصی نیستند بیشتر قابل انطباق است، فرض می‌کنیم پس از تشکیل شوراها آرا عمومی ربا و یا شرب خمر را تجویز کردند آیا ما آن را تجویز می‌کنیم؟ باید این اصل بدین نحو تصحیح شود "آرا عمومی بر اساس قوانین حیات بخش اسلام مبنای حکومت است."

۳ در اصل ۴ معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد معنویت و اخلاق اسلامی بجای خود ولی ما در اسلام نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صریحا قانون داریم پس باید در این اصل به دنبال معنویت و اخلاق کلمه "قوانین" اضافه شود.

۴ در اصل ۱۳ ذکر شده است:

دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است، که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است، و مذاهب دیگر اسلامی اعم از زیدی، حنفی مالکی، شافعی و حنبلی معتبر و محترم است و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات مجلسی در حدود اختیارات شوراها بر طبق این مذاهب خواهد بود الخ...

اولا به دنبال کلمه جعفری کلمه اثناعشری باید اضافه شود زیرا اسماعیلیان نیز جعفری مذهبند. ثانيا در عداد مذاهب دیگر باید مذهب اسماعیلی نیز اضافه شود.

ثالثا در آخر این اصل باید اضافه شود: "این اصل تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باقی است و به هیچ نحو قابل تغییر نیست، نفراندم در آن راه دارد و نه مجلس موسسان." در اینجا بسیاری از برادران اهل سنت اصرار دارند که در این اصل به اسلام اکتفا شود و نامی از مذهب خاص به میان نیاید، با عرض معذرت به عرض می‌رساند:

اولا اختلاف در اصول اساسی اسلام یعنی توحید و نبوت و معاد راه ندارد و همه مذاهب در اصول اتفاق دارند و همه پیرو قرآنند و از دستورات محکم قرآن سربلندی نمی‌کنند و اجازه جنگ و نزاع هم ندارند.

و ثانيا ما هم از تشکیلات و تفرق رنج می‌بریم و چه بسا همین اختلاف مذاهب اسلامی در اعصار گذشته راهی برای نفوذ دشمنان اسلام بوده است و پیروان خام مذاهب را به جان یکدیگر می‌انداختند.

ولسی چه باید کرد که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتیم زیرا تقسیم شدن مسلمین به مذاهب مختلفه و اینکه اهل هر مذهبی برای خود یک روش فقهی خاصی را اختیار کرده اند واقعی است انکار ناپذیر و این موضوع به دست من و شما نیست و امری هم نیست که تازه رخ داده باشد بلکه این تفرق و اختلاف بلافاصله پس از پیغمبر اکرم (ص) شروع شد و در اواخر قرن دوم به اوج خود رسید و البته مذاهب فقهی خیلی پیش از اینها بود تا اینکه در اواخر قرن چهارم مذاهب اهل سنت در چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی منحصر شد و سایر مذاهب فقهی را کنار زدند و فعلا در عصر ما آنچه عملا وجود دارد تقریبا مذاهب هفت گانه: اثناعشری، زیدی، اسماعیلی، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی است.

اینک ما از برادران اهل سنت می‌پرسیم چه کنیم؟ فردا که مجلس شورای ملی و یا در دادگستری لازم می‌شود بر اساس فقه اسلام قانونی را تصویب کنند و یا حکمی را صادر نمایند، کدام یک از روشهای فقهی موجود را اساس قرار دهند؟

آیا با اینکه اکثریت قاطع ایران تابع فقه جعفری هستند فقه حنفی یا شافعی را مثلا اساس قرار دهند و فقه جعفری را کنار بزنند در صورتی که شیعه امامیه فقه خود را از طریق عترت و اهل بیت پیغمبر گرفته است و معتقد است که چون در حدیث نقلین (که میان دو فریق شیعه و سنی متواتر است) عترت و اهل بیت پیغمبر در کنار کتاب خدا حجت قرار داده شده، تمسک بدانها واجب شده است.

بنا بر این فقه عترت پیغمبر از فقه ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد حنبل که نه در عصر پیغمبر بوده اند و نه نسبت به آنها از طرف پیغمبر سفارشی شده است برای کشف سنت واقعی پیغمبر بیشتر مورد اعتماد است، آیا فردا برای هر قانونی از قوانین اسلام که در مجلس شورا و یا در دادگستری مورد احتیاج می‌شود شروع کنیم جنگ شیعه و سنی راه بیندازیم، یکی طرفدار فقه جعفری شود و یکی دیگر طرفدار فقه شافعی؟

آیا چون در اسلام مذاهب فقهی مختلفی پیدا شده بطور کلی از فقه اسلام صرف نظر کنیم؟ چه باید کرد؟

آیا می‌فرمایید شیعه امامیه ایران بگذارند ایران هم به سرنوشت عراق دچار شود؟ زیرا در عراق با اینکه جنبش استقلال طلبی به رهبری علمای شیعه بود و اکثریت ملت عراق هم شیعه مذهبند ولی بالاخره حکومت عراق فقه حنفی را محور عمل قرار داد و کلاه شیعیان پس معرکه ماند.

آیا چون اسلام به وحدت و اتحاد دعوت کرده است شیعه امامیه باید از فقه عترت و اهل بیت پیغمبر صرف نظر کنند و فقه ابوحنیفه یا شافعی را مثلا محور عمل قرار دهند تا اتحاد برقرار شود؟

بالاخره وجود مذاهب مختلف فقهی در ایران واقعی است انکار ناپذیر و تغییر آن هم در شرایط فعلی غیر ممکن است، اکثریت ایران عملات تابع فقه جعفری هستند و کردستان تابع فقه شافعی و اهل سنت بنادر و جنوب خراسان تابع فقه حنفی و هر فرقهای فقه خودشان را صحیح می‌دانند و دیگران را تخطئه می‌کنند و جبر و اکراهی هم در میان نیست.

آیا در این صورت راهی هست جز اینکه بگویم همه مذاهب معتبر و محترمند و پیروان هر مذهبی به فقه خودشان عمل کنند و جنگ و درگیری هم نباید در میان باشد؟ و این است مفاد اصل ۱۳ اگر شما راه عملی معقولانه بهتری سراغ دارید بفرمایید، پس نزاع در اصل ۱۳ غلطو بیهوده است.

۵ اصل ۱۶ چنین است: "قوای ناشی از حق حاکمیت ملی عبارتند از قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه که باید همیشگیه مستقل از یکدیگر و ارتباط میان آنها بر طبق این قانون به وسیله رئیس جمهور برقرار گردد." در اینجا توجه به یک نکته دقیق لازم است.

خداوند عزوجل همه افراد بشر را مستقل و آزاد خلق کرده است، همه مخلوق خدا، همه ملک خدا و وابسته به وجود خدا می‌باشند،

خدا بر همه موجودات تکوینا تسلط دارد و همه پرتو وجود اویند و هیچ یک از افراد بشر نسبت به یکدیگر تسلط و اختیار ندارند حتی پیامبران خدا از جهت پیامبری فقط حق ابلاغ دستورات خدا را دارند و نه حق حاکمیت، حق حاکمیت و فرماندهی اولاد و بالذات منحصر است به خدایی که همه ملک اویند و تار و پود وجودشان به او وابسته است. "ان الحکم الا لله" (یوسف) بولی اگر خداوند که حاکم است به کسی حق حاکمیت بدهد و او را خلیفه و جانشین خود قرار دهد، او حاکم و فرمانروایمی شود و همه باید از او اطاعت کنند، چنانچه خداوند در حق داود علیه السلام می فرماید: "یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق" (سوره ص) داود ترا خلیفه قرار دادیم در زمین پس میان مردم به حق حکم کن.

از این آیه شریفه به دست می آید که اگر داود خلیفه نبودی حق حکم و قضاوت نداشتی و همچنین در قرآن راجع به پیامبر اسلام می فرماید: "النسی لولی بالمومنین من انفسهم" در این آیه شریفه ولایت و سلطه حاکمیت پیغمبر اسلام نسبت به مومنین از طرف خدا تثبیت شده و اگر جنبه ولایت برای حضرتش نبودی فقط پیغمبر بودی و حق حاکمیت نداشتی و به عقیده شیعه امامیه، پیغمبر اکرم این حق حاکمیت را از طرف خدا در روز غدیر خم به علی (ع) تفویض کرد و چنانچه فرمود: "الست لولی بکم من انفسکم؟ قالوا بلی، قال من کنت مولاه فهذا علی مولاه. وقت شود که پیغمبر اکرم (ص) در تفویض ولایت به علی (ع) تکبیه بر ولایت خود کرد نه بر نسبت خود، و بالاخره پس از علی (ع) ولایت به فرزندان علی (ع) یکی پس از دیگری تفویض شد تا امام دوازدهم و در زمان غیبت کبری آن حضرت به کسانی که دارای شرایط ذیل باشند تفویض شده:

۱ متخصص و کارشناس مسائل اسلامی باشند. (فقیه و مجتهد)

۲ عادل و با تقوی باشند.

۳ آشنا به حوادث و مسائل روز باشند.

این است عقیده شیعه امامیه، پس ولایت و حق حاکمیت فقیه از ناحیه امام است و حق حاکمیت امام از ناحیه پیغمبر و حق حاکمیت پیغمبر از ناحیه خدا و حق حاکمیت خدا بالذات است و از آثار مالکیت تکوینی است که نسبت به همه مخلوقات خود دارد. اگر از طرف خدا یا حاکمی که از طرف خدا ولو با واسطه حاکم قرار داده شده دستوری صادر شود (چه در مقام قانون گذاری و چه در مقام قضاوت و فصل خصومت) انسان چون خودش را وابسته به خدا و ملک خدا می داند و جدانا خود را موظف می داند که دستور نامبرده را اطاعت کند و اگر اطاعت نکند خودش را شرمنده و گناهکار می داند ولی اگر از طرف شخصی که مثل خود اوست دستوری صادر شود انسان بر حسب وجدان خودش را موظف به اجرای آن نمی داند و به عبارت دیگر دستوری خدا و یا حاکمی که از طرف خدا باشد در وجدان انسان معتقد به خدا ضامن اجرا دارد ولی دستور دیگران در وجدان انسان ضامن اجرا ندارد و دستوری که در وجدان انسان ضامن اجرا و پشتوانه ندارد بی ارزش است.

ضمنا یادآوری می شود که یک سنخ قوانین و دستورات کلی داریم که از طرف خدا به وسیله وحی تعیین شده و کارشناس استنباط و تشخیص آن در زمان غیبت، فقیه عادل است (احکام فقهی) یک سنخ قوانین و دستورات جزئی است که حاکم بر حق هر زمان بر حسب مقتضیات و شرایط و احتیاجات در منطقه حکومت خود قرار می دهد (احکام ولایتی) بالاخره از آنچه به نحو فشرده و فهرست وار بیان کردیم نتیجه می گیریم که حکومت و قضاوت و تشخیص قوانین کلی و جعل قوانین و دستورات جزئی در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف به فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز تفویض شده، در خطبه منسوب به حضرت سید الشهداء روحی و ارواح العالمین له الفدا وارد است: مجاری الامور بید العلماء بالله الامنا علی حلاله و حرامه و بالاخره حکومت و قانون باید به فقهایی که عادل و آشنا به حوادث و مسائل روز باشند منتهی شود و قوه مجریه هم باید زیر نظر و فرمان آنان باشد و در حقیقت قوه مجریه نمایندگان آنان می باشند و از خود استقلالی ندارند و قضاوت هم حق فقیه و یا منصوب از ناحیه اوست، پس سفقوه مقننه، مجریه و قضاییه به یکدیگر مربوطند و از یکدیگر جدا نمی باشند و هر سه به فقیه عادل آشنا به مسائل روز منتهی می شوند. این اجمالی بود از مطلب، و تفصیل و ذکر ادله آن در این نامه مختصر میسر نیست.

از آنچه گذشت چند نتیجه به دست می آید:

۱ قرای سه گانه از یکدیگر جدا نیستند و رابط همه آنها فقیه عادل آشنا به مسائل روز می باشند و اگر بنا است رابط آنها رئیس جمهور باشد پس باید رئیس جمهور فقیه عادل و یا منصوب از ناحیه او باشد.

۲ نمایندگان مجلس که قوه مقننه می باشند یا باید خودشان فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشند و یا قانونی را که تصویب می کنند باید بنظر فقیه عادل برسد و او تصویب کند و از این جهت در اصل دوم متمم قانون اساسی سابق بنا اینکه در زمان طاغوتها تصویب شده بود قیلشده که باید پنج نفر علمای طراز اول در مجلس باشند و آنان بر قوانین مصوبه مجلس صحه بگذارند و اگر صحه نگذارند جنبه قانونی ندارد بولی متاسفانه این اصل در قانون اساسی فعلی حذف شده و به جای آن دو اصل ۱۴۴ و ۱۴۵ ذکر شده که ناقص و ناتمام است چنانچه در جای خود اشکالات و نواقص آنها را روشن خواهیم کرد.

۳ رئیس جمهور یا باید فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشد و یا از طرف او منصوب شود و زیر نظر او انجام وظیفه کند.

۴ حق حکم به انحلال مجلس شورا، توشیح قوانین، فرماندهی نیروهای نظامی، اعلان جنگ، ستار که جنگ، عفو عمومی و یا تخفیف مجازات مربوط به فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز است و اگر بنا است مربوط به رئیس جمهور باشد پس باید رئیس جمهور فقیه عادل و یا اقلا منصوب از ناحیه او باشد.

۵ قضات یا باید فقیه عادل باشند و یا اقلا منصوب از ناحیه او و شخصا آشنا به مسائل و احکام اسلام باشند.

۶ ذیل اصل ۱۴۷ راجع به درخواست مراجعه به آرا عمومی بهتر است در ذیل اصل ۱۷ ذکر شود.

۷ اصل ۲۲ چنین است: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساویند" لازم است اضافه شود مگر در مواردی که اسلام بر حسب اقتضا و استناد ذاتی برای هر کدام حکم خاصی قرار داده باشد.

۸ اصل ۲۶ چنین است: "تشکیل احزاب و جمعیتها و انجمن های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است" لازم است به دنبال کلمه "دینی" قید شود: از ادیان رسمی و گرنه دینهای غیر رسمی سو استفاده می کنند.

۹ اصل ۴۶ "منابع زیر زمینی و دریایی و معادن و جنگل‌ها و بیشه‌ها و رودخانه‌ها و آبهای عمومی دیگر و اراضی موات و مراتع از اموال عمومی است"

اولاً: جنگل‌ها معمولاً از اموال عمومی است ولی کلمه "بیشه" اصطلاحاً بر مجتمع اشجاری که از طرف مالکین خصوصی احداث شده باشد اطلاق می‌شود بنابراین بیشه‌ها از اموال عمومی نیست. ثانیه: از اراضی موات و مراتع آنچه حرم املاک شخصی و از مرافق آنها محسوب می‌شود مانند راه‌ها، ممر سیلها و چراگاه گوسفندان دهات مالکین نسبت به آنها احقند و از اموال عمومی نیست.

۱۰ در اصل ۴۸ ذکر شده "شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را قانون معین خواهد کرد." شرایط اساسی انتخاب شوندگان از جهت سن و مذهب و تقید به آداب و اخلاق مذهبی و حسن سابقه دینی و اخلاقی و آشنا بودن به مسائل اسلامی در غیر اقلیت‌های مذهبی لازم است در خود قانون اساسی تعیین شود بخصوص که پس از تصویب قانون اساسی بلافاصله برای مجلس اول مورد نیاز است.

۱۱ اصل ۷۵ چنین است: "رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجرا قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را به عهده دارد."

سابقاً در رقم ۵ روشن شد که حکومت در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه از شئون فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز است و او است بالاترین مقام رسمی کشور و رابط بین قوای سه گانه و ناظر بر همه شئون و قوای سیاسی کشور، اگر خود او ریاست جمهوری را بپذیرد بالاترین مقام رسمی کشور است و اگر به دیگری محول کند باز خود او بالاترین مقام است و رئیس‌جمهور زیر نظر او انجام وظیفه می‌کند و چه بهتر که فقیه عادل آشنا به مسائل روز اداره امور کشور را به شورایی مرکب از سه یا پنج نفر محول کند که زیر نظر او انجام وظیفه کنند زیرا در این صورت کشور از استبداد و دیکتاتوری محفوظتر است و بالاخره تفویض سیاست کشور به یک رئیس‌جمهور بدون در نظر گرفتن ولایت و حکومت فقیه عادل سبک حکومت غریبی است و بسا اسلام بخصوص مذهب شیعه اثنا عشریه سازگار نیست.

۱۲ اصل ۷۶ چنین است: "رئیس‌جمهور باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد." تنظیم این اصل با این کیفیت بسیار عجیب است، اگر در ریاست جمهوری که مطابق اصل ۷۵ بالاترین مقام رسمی کشور است به صرف مسلمان و ایرانی قناعت کنیم فردا هر بی‌سری و پایبی با پول و تساکتیک و پروپاگاندا خود را به این مقام والا می‌رساند. مگر این همه پادشاهان جبار و طاغوت، مسلمان و ایرانی نبودند و به زیارت عتبات عالیات نمی‌رفتند؟ پس چه فرقی است بین حکومت اسلامی و حکومت‌های جبارانه سابق؟ اگر بنا است حکومت اسلامی در کشور برقرار باشد حکومت اسلام در زمان غیبت حضرت حجت(ع) از شئون فقیه عادل آشنا به مسائل روز است و اگر خود او عنوان ریاست جمهوری را بپذیرد چه بهتر و گرنه رئیس‌جمهوری زیر نظر او انجام وظیفه می‌کند و بالاخره رئیس‌جمهوری باید دارای چند شرط باشد:

- ۱ مسلمان باشد.
- ۲ عاقل باشد.
- ۳ دارای عدالت و تقوا و حسن سابقه دینی و اخلاقی باشد.
- ۴ یا فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشد و یا زیر نظر او انجام وظیفه کند و شخصاً به مسائل اسلامی و مسائل روز آشنا باشد.

۵ چون اکثریت قاطع جمعیت کشور شیعه اثنا عشری می‌باشند رئیس‌جمهور باید دارا و صروح این مذهب باشد.

۶ بر حسب اجماع فقها و حدیث نبوی "لا یفعل قوم ولیتهم امراه" رئیس‌جمهور باید مرد باشد، در اینجا ممکن است برخی روشنفکران خدشه کنند و یا به ساحت مقدس خواهران برخورد کنند ولی حقیقت باید گفته شود چون کتمان حقیقت خود گناهی است بزرگ، بر حسب فقه شیعه اصامیه بلکه فقه اسلام و اخبار وارده حکومت و قضاوت برای خانها نیست و این نه به خاطر بی‌احترامی به ساحت مقدس خواهران و یا نادیده گرفتن حقوق آنان می‌باشد، حکومت و قضاوت حق نیستند، بلکه تعهد و مسئولیت‌اند و دو بار گرانی هستند که بر دوش هر کس گذاشتمشوند اگر واقعاً بخواهد حق آنها را ادا کند زیر بار مسئولیت له می‌شود.

لذا خدای کریم رحیم نخواست است خواهران که دارای روح لطیف و احساسات محبت‌آمیز هستند و جنبه‌های عاطفی و احساسی خانواده و اجتماع به عهده آنان گذاشته شده آلوده و گرفتار شوند و اعضایشان زیر بار سنگین مسئولیت خرد شود. در اینسکه جنبه تفکر و تدبیر و ملاندیشی نوعاً در مردان بیشتر و جنبه‌های عاطفی و محبت و احساس نوعاً در خانها بیشتر است شکی نیست، البته ممکن است احیاناً خانمی از جهت تعقل و تفکر از مردی جلو باشد و بالعکس مردی در جهات عاطفی از زنان کمتر نباشد ولی حکم تابع اکثریت است.

زن هرچند با سواد و درس خوانده و دنیا دیده باشد بالاخره نوعاً زود رنج و سریع التاثر است و در مقابل تبلیغات و یا التماس و لایه تحت تاثیر واقع می‌شود ولی شخص حاکم و یا قاضی باید برد بار، محکم و بی‌تفاوت باشد و گرنه ممکن است به طرف باطل بلغزد و تحت تاثیر تبلیغات غلط و یا التماس و لایه طرف واقع شود پس این بار سنگینی را که جز تعهد و مسئولیت چیزی نیست بدوش خانها گذاردن نسبت به آنها ظلم و ناروا است. این حقیقت را روش دنیا نیز ثابت می‌کند زیرا می‌بینیم در دنیای غیر اسلامی از شرق و غرب با اینسکه تقید به مرد بودن رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیری یا قاضی ندارند ولی عملاً ریاست جمهوری یا نخست‌وزیر یا قضاوت نوعاً به عهده مردان گذاشته می‌شود و آنها حائز این مقامها می‌گردند و این نیست مگر برای اینسکه استعداد ذاتی مردان برای تحمل بار مسئولیت بیشتر است و بالاخره اطمینان دارم خواهرانی که مقید به دستورات اسلام می‌باشند از بیان دستورات اسلامی نمی‌رنجند و به جان و دل احکام خدا را می‌پذیرند.

۱۳ در اصل ۸۲ در سوگند نامه رئیس‌جمهور ذکر شده است: "قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده

است "چون گفتیم رئیس‌جمهور یا باید مجتهد و فقیه عادل باشد و یا از ناحیه او تعیین شود پس در سوگند ذکر شود: قدرتی را که از ناحیه انماطهار و یا از ناحیه رهبر مذهبی با تایید ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده شده است. اصل ۱۴: توشیح قوانین با رئیس‌جمهور است "چون حکومت اسلامی است و قوانین کشور باید براساس قوانین اسلام باشد پس رئیس‌جمهور یا باید مجتهد و فقیه باشد و یا منصوب از طرف فقیه و شخصا آشنا به مسائل اسلامی باشد تا حق توشیح داشته باشد.

۱۵ اصل ۱۰۲: هرگاه رئیس‌جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم شود مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رای به تعقیب او دادند هیات عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی مجازات او را تعیین می‌کند "این تبعیض بر خلاف اسلام است اگر فرضاً رئیس‌جمهور مرتکب گناه و جرم عسلی شد چرا دستگاه قضایی نتواند او را تعقیب کند و تعقیب او توقف بر رای سه چهارم نمایندگان داشته باشد.

۱۶ اصل ۱۰۶: هیچ کس نمی‌تواند به مقام نخست‌وزیر و وزارت برسد مگر اینکه مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد."

۱ نخست‌وزیر و وزرا باید مسلمان باشند.

۲ چون اکثریت جمعیت ایران شیعه مذهبند نخست‌وزیر و وزرا باید شیعه مذهب باشند.

۳ باید آشنا به مسائل و دستورات اسلام باشند.

۴ باید دارای تقوا و حسن سابقه دینی و اخلاقی باشند.

۵ باید با سواد باشند.

۱۷ اصل ۱۱۲: نخست‌وزیر و وزیران در صورتی که متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رای داد تعقیب متهم در هیات عمومی دیوان عالی کشور "این هم باز تبعیض بی‌جایی است چرا هنگامی که نخست‌وزیر و یا یکی از وزرا مرتکب جرم و گناهی شد دستگاه قضایی کشور نتواند او را تعقیب کند و تعقیب او متوقف باشد به آرا اکثریت نمایندگان مجلس، از کجا که نخست‌وزیر با نمایندگان مجلس گاویندی نکند و خود را از مجازات نرساند. مگر نه این است که شریح‌قاضی که از طرف حضرت‌علی(ع) برای قضاوت نصب شده بود در نزاع حضرت‌علی با یک مرد یهودی حضرت‌علی را به محاکمه کشید.

۱۸ اصل ۱۲۱: راجع به ارتش لازم است یک اصل اضافه شود و شرایط افسران استخدامی و سران ارتش از جهت مذهب و اخلاق ذکر شود.

۱۹ اصل ۱۲۷: "قوه قضائیه مستقل" البته قوه قضائیه از قوه مجریه جدا و مستقل است ولی بر حسب موازین حکومت اسلامی که فقیه عادل در راس حکومت قرار دارد هر یک از قوه مجریه و قوه قضائیه زیر نظر او انجام وظیفه می‌کنند و نصب و عزل و یا تغییر محل ماموریت آنان همه دستور او و یا نمایندگان او انجام می‌شود.

۲۰ اصل ۱۳۰: "قضات محاکم را نمی‌توان از مقامی که شاغل اند بطور موقت یا دائم بدون محاکمه و ثبوت جرم منفصل کرد یا محل خدمت یا سمت آنها را بدون رضای آنان تغییر داد" در حکومت اسلامی هر یک از قوه مجریه و قوه قضائیه زیر نظر حاکم که فقیه عادل است انجام وظیفه می‌کنند و حاکم می‌تواند هر که را صلاح دید عزل و یا محل ماموریتش را تغییر دهد، تغییر محل خدمت لازم نیست در اثر جرح باشد بلکه ممکن است وجود یک قاضی خاصی در محل دیگری ضرورت داشته باشد، در این صورت حاکم که هم فقیه است و هم عادل و هم آشنا به مسائل و حوادث روز او را بدان محل اعزام می‌کند.

۲۱ در اصل ۱۳۹ می‌گوید: "شورای عالی قضایی اداره امور مربوط به قوه قضائیه اعم از استخدام و نصب و عزل قضات و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها را بعهده دارد، و این شورا مرکب است از:

۱ سفیر از مستشاران یا روسای شعب دیوان عالی کشور به انتخاب آن دیوان.

۲ شش نفر از قضاتی که دارای لااقل ده سال سابقه خدمت قضایی باشند به ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۳ رئیس دیوان عالی کشور که ریاست شورا را نیز به عهده دارد.

۴ دادستان کل کشور، اعضای انتخابی شورا به مدت پنج سال انتخاب می‌شوند "قبلاً متذکر شدیم نصب و عزل قضات و تغییر محل ماموریتشان از وظائف فقیه عادل یا نمایندگان اوست. آری ممکن است فقیه عادل که متصدی حکومت اسلامی است شورای عالی قضایی را به کیفیت مسزور امور اداره امور قضات بنماید ولی او هر وقت بخواهد افراد شورا را کم و زیاد کند مانعی ندارد و مقید به پنج سال نیست چه بسا برخی افراد شورا فاسد یا نامناسب درآیند، چطور ممکن است شخص فاسد الزاماً تا مدت پنج سال سر کار باشد.

۲۲ اصل ۱۴۰: "حکم انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و روسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور با امضای رئیس‌جمهور صادر و سایر احکام به امضای وزیر دادگستری می‌رسد"، قاضی یا باید مجتهد و فقیه عادل باشد یا شخصاً آشنا به مسائل و احکام اسلام باشد و از طرف فقیه عادل منصوب گردد و اگر بناست قضات از طرف رئیس‌جمهور یا وزیر دادگستری منصوب شوند پس قهراً رئیس‌جمهور یا وزیر دادگستری باید فقیه عادل یا منصوب از طرف فقیه عادل باشد. ضمناً در اینجا یک اصل باید اضافه شود و در آن شرایط قضات از جهت دین و مذهب و عدالت و اجتهاد و یا منصوب بودن از طرف مجتهد عادل، و عقل و مذکر بودن ذکر شود.

۲۳ خلاصه از اصل ۱۴۲ و ۱۴۳: "به منظور پاسداری از قانون اساسی شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: پنج نفر از میان مجتهدین در مسائل حقوقی، سفیر از اساتید دانشکده‌های حقوق و سفیر از قضات دیوان عالی کشور که به وسیله مجلس شورا انتخاب می‌شوند، این اشخاص برای مدت ده سال انتخاب می‌شوند."

اصل ۱۴۴: "شورای نگهبان به درخواست یکی از مراجع معروف تقلید یا رئیس‌جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان

کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می‌کند مشروط به اینکه از تاریخ توشیح قانون بیش از یک ماه نگذشته باشد" اصل ۱۴۵ در صورتی که شورا قانون عادی را به دلیل مخالفت صریح با اصول مسلم شرعی یا سایر اصول این قانون متعارض با قانون اساسی بداند آن را برای تجدید نظر با ذکر دلایل تعارض به مجلس برمی گرداند و مجلس با توجه به دلائل ذکر شده تجدید نظر به عمل می‌آورد "اصل ۱۴۶" تصمیم‌های شورای نگهبان با رای حداقل دو سوم اعضا معتبر است "خوانندگان محترم توجه دارند که شورای نگهبان در این قانون به جای پنج نفر علمای طراز اول است که در اصل دوم متمم قانون اساسی سابق ذکر شده بود ولی تفاوت بین این دو از زمین تا آسمان است: مفاد اصل دوم متمم قانون اساسی سابق این بود که پنج نفر علمای طراز اول باید در مجلس شورا حضور داشته باشند و قوانین مصوبه مجلس به نظر آنان برسد، اگر قوانین مصوبه را مخالف شرع اسلام یافتند قوانین مصوبه ارزش قانونی ندارند و از درجه اعتبار ساقطاند و به اصطلاح علمای طراز اول نسبت به قوانین مصوبه حق "وتو" داشتند ولی شورای نگهبان در قانون فعلی که مرکب است از ۱۱ نفر پنج نفر علما طراز اول و شش نفر از حقوق دانان منتخب از ناحیه مجلس شورا.

اولا: در قانون ذکر نشده که این شورا در مجلس حضور دارند یا نه. ثانیاً: خود شورا هر چند قوانین مصوبه را بر خلاف اسلام یا قانون اساسی تشخیص دهد ولی حق اظهار نظر ندارد مگر به درخواست یکی از مراجع تقلید یا رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور که اگر یکی از این مقامها درخواست نکند قانون تصویب شده اجرا می‌شود ولو به نظر شورای نگهبان بر خلاف اسلام باشد. ثالثاً: اگر یک ماه از زمان توشیح قانون بگذرد دیگر نه شورا و نه مراجع تقلید و نه سایر مقامها حق اظهار نظر ندارند ولو قانون توشیح شده صریحاً بر خلاف اسلام باشد و باید اجرا شود.

رابعاً: بر فرض یکی از مقامهای مزبور از شورا درخواست کند و شورا هم اعتراض نماید شورا قوانین مصوبه را لغو نمی‌کند بلکه قوانین مصوبه را به مجلس برمی گرداند و مجلس تجدید نظر می‌کند و چه بسا مجلس اعتراض را رد نماید و قانون مورد اعتراض را تصویب کند هر چند بنظر شورا و مراجع تقلید و سایر مقامهای مزبور بر خلاف اسلام باشد. خامساً: اگر فرضاً هر پنج نفر علمای طراز اول قانون مصوب را بر خلاف بدانند ولی شش نفر دیگر سکوت کنند یا بر خلاف اسلام ندانند نظر علمای طراز اول بی‌اثر می‌شود و قانون تصویب می‌گردد. سادساً: اگر فرضاً دو نفر از حقوق دانان نیز با علمای طراز اول هم رای شوند و چهار نفر دیگر سکوت یا مخالفت کنند باز نظر هفت نفر بی‌اثر خواهد بود.

سابعاً: اگر خود مراجع تقلید قوانین مصوبه را بر خلاف اسلام تشخیص دهند ولی شورای نگهبان سکوت کنند نظر مراجع تقلید بی‌اثر خواهد بود البته این اشکال بر قانون سابق نیز وارد بود، بالاخره قانون اساسی پیشنهادی طوری تنظیم شده که مراجع تقلید و فقهای عدول کم‌محور حکومت اسلامی می‌باشند نقشی در قوانین و اداره کشور ندارند. این بود یک سلسله اشکالاتی که در نظر ثانوی به نظر اینجانب رسید. امید است مقامهای مسئول توجه کنند.

۱۴ شعبان ۱۳۹۹

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۶۰: نامه معظمله در پاسخ به نامه انجمن اسلامی مهندسين و مرحوم مهندس مهدی بازرگان در ارتباط با مساله هدف از بعثت انبیا (ع)، مورخه ۱۳۷۲/۸/۲۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب مستطاب آقای مهندس بازرگان دامعزه و توفیق

پس از سلام و تحیت، مرقومه مورخه ۷۲/۷/۲۲ جنابعالی به ضمیمه نامه انجمن اسلامی مهندسين و جزوه "آخرت و خدا تنها برنامه بعثت انبیا" در تاریخ ۷۲/۸/۱۱ واصل شد و جزوه نامبرده مطالعه شد، نسبت به برخی از مسائل مطرح شده اینجانب نظر مخالف دارم. البته توجیه‌هایی که رفتارهای غلط و ناصواب حکام نباید در قضاوت ما نسبت به اصل مسائل و ارزشهای اسلامی تاثیر نماید و شرح مسائل متأسفانه در نامه نمی‌گنجد ولی اجمالاً به عرض می‌رساند: در اینکه هدف عمده انبیا - توجیه دادن بشر به خدا و قیامت استشکی نیست، ولی بالاخره ادیان الهی بخصوص دین مفسد اسلام صلاح و سعادت انسان را در همه مراحل از بنو انعماد نطفه تا مرحله مرگ و پس از مرگ مورد توجه قرار داده اند. و کلمه "یزکیهم" با دید وسیع شامل همه مراحل وجودی انسان و علل و شرایط تکامل انسان و از جمله اصلاح محیط اجتماعی برای رشد معنوی و تربیت او به نحو احسن می‌باشد. حکومت صالحه عادلانه بسیار موثر است در تربیت و تکامل انسانها و بر این اساس پیامبر اکرم (ص) خود بنیانگذار یک حکومت ساده صدرصد عادلانه مناسب با زمان خود بود و برای بعد از خود نیز برنامه ریزی کرد، منتها پس از رحلت آن حضرت انقلاب الناس علی اعقابهم. مطالعۀ دقیق کتاب و سنت و توجه به متن احکام اسلام که در معاملات و سیاسات و جزئیات و قضا و شهادت تشریح شده گواه بر این است که دین اسلام آمیخته با حکومت و سیاست است و حکومت جز بافت اسلام می‌باشد.

چنانچه در هر مساله آخر الامر مساله به امام و حاکم مسلمین ارجاع می‌شود. بجاست برای تفصیل این موضوع به جداول ولایت فقیه اینجانب مراجعه شود. البته حکومت وسیله است نه هدف، همان طور که مرقوم داشتید تکامل بشر به وسیله توجه به خدا و قیامت است. من هم مانند جنابعالی معتقدم که حکومت صحیح و عادلانه محول به انتخاب ملت است و ادله کسانی که فقها را منصوب از طرف خدا می‌دانند کتاب ولایت فقیه مورد مناقشه قرار داده‌ام ولی چنین نیست که اسلام نسبت به اصل حکومت و شرایط حاکم بی تفاوت مانده باشد و منتخب ملت را هر که باشد پذیرفته باشد. از کتاب و سنت هشت شرط برای فرد منتخب استفاده می‌شود (ولایت فقیه ج ۱ ص ۲۵۷ به بعد) چون ائمه معصومین علیهم السلام

به نصیب امیر اکرم و ائمه هده در رتبه اول این شرایط بودند بر مسلت لازم بود آنان را انتخاب نمایند و انتخاب دیگران انحراف از دستور اسلام بود و در اخبار ما از آنان به نام طاغوت یاد شده و قهرا حکم و جوب اضاعت شامل آنان نیست، و بالاخره بی تفاوت بودن مردم نسبت به سرنوشت سیاسی خود و انتخاب حاکم واجد شرایط گناهی است بزرگ. در اخبار صحیحیه انتخاب والسی صالح از دعائم و ستونهای اسلام شمرده شده، از جمله صحیحیه زراره از امام پنجم (ع) قال: "بنی الاسلام علی خمس اشیا: علی الصلاه و الزکاه و الحج و الصوم و الولایه، قال زراره: فقلت نو ای شیئی من ذلك افضل؟ فقال: الولایه افضل لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن" (الحديث) اصول کافی ج ۲ ص ۱۸ و الوسائل ج ۱ ص ۷ توجه دارید که ولایت به معنی حکومت است نه دوستی اهلیت، چنانچه اشتقاق کلمه والی که به معنی حاکم است بر این معنی گواه است. این حدیث شریف در مقام بیان وظائف و دستورات عملی و اجرایی اسلام است از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و تعیین والی زمان و لذا از اصول عقاید از قبیل توحید و نبوت و معاد نامی برده نشده. پس همین طور که مردم نسبت به اقامه نماز و اعطاء زکات و انجام روزه و حج وظیفه دارند نسبت به تعیین و انتخاب حاکم صالح واجد شرایط که کلید اجرا آنهاست نیز وظیفه دارند، منتها به عقیده ما امامیه با وجود ائمه معصومین (ع) انتخاب دیگران غلط بوده و بالاخره از سخنرانی مفصل جنابعالی استفاده می شود که حکومت و سیاست از متن دین جداست و این همان چیزی است که استعمارگران خارجی می گفتند و به نظر اینجانب این اشتباه است. ضمنا از تاخیر جواب و اطاله نامه معذرت می خواهم، انشا الله موفق باشید. از جنابعالی و همه دوستان ملتتمس دعای خیر می باشم و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۷۲/۸/۲۶

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۶۱: نامه مجدد انجمن اسلامی مهندسین و آقای مهندس مهدی بازرگان به معظمه
بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۷۳/۸/۲۸

حضرت آیتالله جناب آقای حسینعلی منتظری دامقانه

با سلام، بدینوسیله به اطلاع جنابعالی می رساند که انجمن اسلامی مهندسین در نظر دارد با برگزاری سمینار "دین و حکومت" با مشارکت صاحب نظران، دیدگاههای مختلف پیرامون رابطه دین و حکومت را مورد نقد و بررسی قرار دهد و در صورت امکان نظرات گوناگون و جمع بندی سمینار را تدوین و منتشر نماید.

با تقدیم فهرست عناوین مربوط به این سمینار به پیوست، خواهشمند است آمادگی خود برای شرکت در این سمینار و دیدگاه مورد نظر برای ارائه را حداکثر تا پایان آذرماه جاری اعلام فرمایید. ضمنا در صورتی که دیدگاه دیگری مورد توجه جنابعالی است مرقوم فرمایید تا به فهرست عناوین اضافه شود.

در این سمینار هر یک از دیدگاهها، مستند به منابع اسلامی و تاریخی و همچنین مقتضیات زمان ارائه و مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت. در صورتی که برای حضور در سمینار آمادگی نداشته باشید خواهشمند است نظرات مکتوب خود را ارسال فرمایید. این نظرات بنام خود جنابعالی در سمینار معرفی می شود و در صورت موافقت جنابعالی در مجموعه تدوین شده برای تکثیر و انتشار نیز اضافه خواهد شد. برنامه سمینار متعاقبا به اطلاع خواهد رسید. امید است طرح و نقد و بررسی نظرات موجب آگاهی و آشنایی بیشتر مردم با معارف اسلامی گردیده و راه برای ایجاد تفاهم در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه کنونی هموار گردد. قبلا از همکاری شما با این برنامه صمیمانه تشکر می نماید.

انجمن اسلامی مهندسین

امضا مهر

بسمه تعالی

۷۳/۱۰/۱۰

سرور گرامی آیتالله منتظری سلام علیکم

قرار بود این نامه وسیله مبارک و بهانه سعادت بنده برای رسیدن به حضور انورتان باشد. چندی تحویل نشده بود و بعد اشتغالات عدیده و داعی نشدن فرصت برای سفر به قم باعث تاخیر گردید. حالا هم که در نظر است با دعا و اجازه جنابعالی مسافرت استعلاجی به دیار "کفر و استکبار" بنمایم، محرومیم از زیارتتان انشا الله برای مدت موقت قطعی شده است. چهارشنبه شب ۱۰/۷ که حضرات کرام آقایان باقی جلالی و میرعماد با معرفی و لطف جناب آقای یوسفی اشکوری حاصل تفسد و عنایات جنابعالی شده بودند، با تشکر فراوان از مراجع حضرتعالی و محبتهای آقایان، از جناب آقای یوسفی اشکوری خواهش کردم حال که عازم دیدار و درک خدمتتان هستند حامل سلام و امتنان بنده و این نامه نیز باشند. دوستان انجمن بسیار خرسند و سرافراز خواهند شد که جنابعالی نیز این سمینار را که تاریخ موعود آن عقب افتادولی امید است در ماههای آخر سال شمسی، یا در بهار سال آینده اگر عمر و امکانی باشد تشکیل گردد ولی در هر حال زیارت مرقومه و نظریات ارزنده تان نعمت و غنیمتی خواهد بود. از آن پیش آمد بسیار متأسف و منزجر شدیم و بحمدالله که استراری و اخلاص در راه حق حضرتعالی، جهال را سنگ روی یخ کرده است. ایام عزت مستدام

مهدی بازرگان

پیوست شماره ۶۲: نامه معظمه به امام خمینی و پاسخ ایشان پس از تدوین قانون اساسی
بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران، مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

۱۳۵۸ هجری شمسی

شماره ۸۴

تاریخ ۵۸/۸/۲۴

محضر مبارک حضرت آیتالله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل تنظیم و با اکثریت دو سوم
مجموع نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی به
تصویب رسیده است، بپیوست تقدیم می گردد.

رئیس مجلس بررسی نهائی قانون اساسی
حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به وسیله نمایندگان محترم ملت ایران که اکثر آنان از علما اعلام و حجج اسلام و
مطالعین به احکام مقدسه اسلام بودند تهیه و به تصویب اکثریت ملت معظم رسید.
امید است ان شاء الله تعالی با اجرا و عمل به آن آرمانهای اسلامی برآورده شود و تا ظهور بقیه الله ارواحنا له الفدا باقی و مسرود
عمل باشد. والسلام علی عباد الله الصالحین

سه شنبه ۷ بهمن ۱۳۵۸ - ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۱
روح الله الموسوی الخمینی

پیوست شماره ۶۳ پیام معظمله به هنگام انتشار مشروح صورت مذاکرات مجلس خبرگان و تاکید و توصیه ایشان بر
اجرای قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

”و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهلوانهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک“ در سرزمین ایران که درست در
اختیار جهانخواران قرار گرفته بود، در پرتو ایمان و استقامت ملت و همبستگی و هماهنگی همه اقشار و رهبری دایمانه و
قاطعانه رهبر انقلاب امام خمینی مدظله العالی در بهمن ۱۳۵۷ انقلاب ملت به پیروزی رسید.

و چون هر انقلابی معلول ارزشها و اهداف خاصی است که انگیزه و محرک عاملان آن می باشد انگیزه و هدف اساسی در
انقلاب ایران تحقق ارزشهای الهی و حاکمیت قوانین اسلامی و نیل به استقلال کامل و قطع وابستگی های سیاسی، نظامی، اقتصادی
و فرهنگی از بیگانگان و مستعمرین بود، آنچه در شعارهای ملت در راهپیماییها و تظاهرات چند میلیونی در طول مبارزات
سخت و خونین خود از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ به شکل روح حاکم بر مبارزات و فداکاریها به چشم می خورد، حاکمیت
اسلام و حق و عدالت و قطع هر نحو وابستگی بود، و با این انگیزه مقدس و به منظور تحکیم انقلاب بود که ملت ما پس از پیروزی،
اقدام به تشکیل مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی نمود. زیراملت به خوبی واقف بود که آنچه عامل ثبات کشور و دلگرمی
ملت و حافظ حقوق همه اقشار است قانون است و بس قانون اساسی تبلور تمام انگیزهها و اهداف عالی انقلاب و شعارهای
اصولی صاحبان نهضت و تنها سند نشان دهنده اصالت انگیزهها و شعارهای انقلاب برای نسلهای آینده است. از این رو باید به
موقعیت قانونی و تاریخی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با تلاش بسیاری از متفکرین و دانشمندان و مجتهدین تنظیم شد و
به تایید مراجع عظام و رهبر انقلاب و تصویب اکثریت قریب به اتفاق ملت رسید، و به اهمیت و نقش آردر حفظ معیارها و
ارزشهای اسلامی و انسانی و ترسیم خط مستقیم انقلاب در برابر نوسانات و جریانات چپ و راست کاملاً توجه شود.

امروز بعد از گذشت بیش از شش سال از پیروزی انقلاب و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و گذر از حوادث تلخ و فتنهها و
توطئه های گوناگون از خارج و داخل، به اصالت و محتوای عمیق قانون اساسی که ثمره خون شهدا عظیم الشان انقلاب
است پی می ریم. البته این بدین معنی نیست که در قانون اساسی ما که خبرگان آن هیچ تجربه ای از قانون نویسی برای یک انقلاب
نویسن نداشتند هیچ نقص و ضعفی وجود ندارد و وجود نواقص لازمه طبیعی ساختهای انسانی غیر معصوم است، و امیدواریم که
شرایطی پیش آید که نواقص آن به عنوان متمم برطرف گردد. ولی در شرایط فعلی نباید به بهانه های واهی و سست ارزشهای
اسلامی و قانونی قانون اساسی که بر اساس کتاب خدا و سنت و عقل تنظیم شده سست گردد. داشتن یک قانون اساسی اصیل و
عمیق و مسنون و تقدیس از آن در شعارها کافی نیست و دردی را دوا نمی کند، آنچه مهم است توجه عملی در تمام شئون اداره
کشور و قوای سه گانه آن به ارزشها و محتوای آن می باشد. اگر نسل معاصر انقلاب نتواند در عصر خود سند اصلی انقلاب را بر
شئون مختلف کشور حاکم گرداند چه انتظاری از نسلهای آینده (که باید انقلاب و ابعاد و شعارهای آن را از لابلای صفحات تاریخ
بیابند) می توان داشت. اصلاً به طور کلی آنچه رابط بین همه قوا و ارگانهای مختلف کشور است و حقوق همه اقشار و ثبات کشور را
تضمین می کند قانون است و بس. اگر بنا باشد هر فردی و یا ارگانی بخواهد لاده و فکر خود را در محیط کارش حاکم گرداند جز
هرج و مرج و اختلال نظام چیزی عائد کشور نخواهد شد، وقتی که خداوند متعال به خاتم پیامبران با همه مقام
و عظمتش دستور می دهد: ”و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهلوانهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله
الیک“ (مائده، ۴۹) یعنی: ”بر اساس قانون خدا بین مردم حکم کن و از خواسته های آنان پیروی نکن و مواظب باش ترا از قانون
خدا منحرف نکنند“ پس قهراً من و شما در هر مقام و پستی باشیم حق نداریم خود سرانه و یا بر اساس روابط و توصیه های بیجا
تصمیم بگیریم و اقدام نمائیم.

اینجانب ضمن تقدیر از زحمات و تلاشهای پیگیر چهره های ارزنده و متفکری که در تنظیم و تصویب قانون اساسی نقش
داشتند و بخصوص برادران عزیزی که به فیض شهادت نائل شدند، از همه مسئولین کشور در قسمتهای مختلف تقاضا می کنم

به منظور حفظ ثبات کشور و آرامش خاطرها و تامین حقوق همه طبقات، حرمت قانون اساسی و سایر قوانین مصوبه کشور را در همه شئون و نسبت به همه اقشار ملت حفظ کنند و مبادا چنین باشد که ضعفا و محرومین را به قانون محول کنیم و نسبت به طبقات بالا روابط و ملاحظات دیگر را حاکم نماییم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می فرماید: "سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی غیر موطن: لن تقدس امره لایؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متمتع" یعنی: بارها از پیغمبر خدا شنیدم ملتی که حقوق ضعیفان آن از قوتمندان با صراحت و قاطعیت گرفته نشود منزه و پاک نخواهد شد."

از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و بیداری و قوت همه مسلمین و مستضعفین جهان را مسئلت می نمایم والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین ورحمته وبرکاته . ۶۴/۸/۱۳، مطابق ۲۰ صفر ۱۴۰۶
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۶۴: پیوست شماره ۶۴: دستورالعمل معظله و آیت الله مشکینی به قضات دادگاههای انقلاب سراسر کشور، مورخه ۵۸/۱۲/۴

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور محترم دادستانها و قضات دادگاههای انقلاب سراسر کشور جمهوری اسلامی ایران دامت ترفیقاتهم پس از سلام، از آنجا که انقلاب ایران بر اساس اصول و قوانین حیاتبخش اسلام استوار است لذا هیچ یسک از موسسات و ارگانهای انقلاب نمی توانند بدون رعایت ضوابط دقیق اسلامی نقشی ایفا نمایند، بویژه دادرهای انقلاب که مسئول شناسایی و دستگیری و محاکمه عناصر ضدانقلاب می باشند. اینجانبان که از طرف رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مسئول نصب قضات شرع شده ایم از عموم دادستانها و قضات شرع تقاضا می کنیم نکات زیر را نصب العین خود قرار دهند:

۱ احراز جرم باید به وسیله طرق شرعی و موازین اسلامی انجام شود و به شایعهها و یا شهادت افراد فاسد یا مغرض و یا مشکوک ترتیب اثر داده نشود.

۲ ملاک و معیار قضاوت باید حق و عدالت و قوانین و دستورات اسلامی باشد، و قضات و دادستانها کمال احتیاط را رعایت کنند و تحت تاثیر احساسات و یا تبلیغات و جنجالها و انگیزه های غیر الهی و روحیه انتقام جویی و احياناً جوهای ساختگی و اوضاع و احوال محلی قرار نگیرند و به نفع و ضررهای شخصی ترتیب اثر ندهند و حتی المقنور در قضاوت نسبت به امور مهم با علما معتمد و متعهد و مسئول محل نیز مشورت کنند.

۳ با متهمین و محکومین باید با آداب و اخلاق انسانی رفتار شود، بدون جهت با حیثیت و عرض بندگان خدا بازی نشود و از هر نحو اهانت و تحقیر و شکنجه پرهیز گردد.

۴ پس از ثبوت جرم در مقام اجرا صراحت و قاطعیت به کار برده شود و از هر نحو اغماض و محافظه کاری و واسطه بازی و سفارش و شفاعت جدا باید پرهیز شود، که در حدیث است خداوند قهار به پیغمبر اکرم (ص) خطاب کرده و فرمود: "یا محمد من عطل خدا من حدودی فقد عاندنی و طلب بئذک مصادتی" ("هر کس حدی از حدود مرا تعطیل کند یا من عناد و ضدیت کرده است.) اجراکنندگان حدود حق ندارند از مقدار تعیین شده تجاوز کنند که در صورت تجاوز به مقدار زائد، از آنان قصاص می شود.

۵ اگر مجرم از روی جهل یا شبهه کاری را انجام داده یا نحوه عمل مشکوک باشد حد شرعی اجرا نمی شود، چنانچه در حدیث است: "ادروالحدود بالشبهات". باید توجه شود اگر گناهکاری فرضاً از روی شبهه رها گردد بهتر است از اینکه بی گناهی مواخذه شود.

۶ خط مشی قضایی باید به گونه ای تنظیم گردد که مسئولیتها مشخص شود. قضات باید فقط در مسائل مربوط به انقلاب دخالت و اظهار نظر کنند و از دخالت در امور جزئی و عادی که از محدوده کار آنها بیرون است پرهیزند، و قوای انتظامی و پلیس و سپاه پاسداران نباید در کار دادستانی و قضات دخالت کنند و بدون دستور دادستانی و حکم حاکم شرع حق بازداشت و یا تعزیر و یا مصادره و توقیف اموال را ندارند هر چند افراد انقلابی باشند، زیرا انقلابی بودن ارگانها مجوز هر چه مرجع و بی انضباطی و بی نظمی نمی شود. پاسداران و پلیس باید فقط مجری دستورات دادستانها و قضات شرع باشند و در اجرا هیچ تخلف و یا کم و زیاد نکنند.

۷ سعی شود دادرهای انقلاب اسلامی با دیگر بنیادهای انقلابی و دولتی هماهنگ باشد، این هماهنگی با تشکیل جلسات مشورتی منظمها مسئولین ارگانهای مختلف دولتی عملی خواهد شد.

۸ در کار قضایی یک سازماندهی منظم و منسجم لازم است، کوشش شود در این سیستم از عناصر متدین و مبارز و دور از سادماندیشی و یا افکار انحرافی و التقاطی که ضمناً پایگاه مردمی نیز داشته باشند استفاده شود.

۹ مصادره اموال باید بر اساس موازین اسلام باشد، ممکن است کسی مجرم باشد ولی همه اموال و یا بعضی از اموال او از راه مشروع بدست آمده باشد، در این صورت مصادره جایز نیست، زیرا اموال مسلمانان محترم است. فقط مصادره اموالی جایز است که از راه غیر مشروع بدست آمده باشد، و در صورت مصادره مال مصادره شده را بایستی به افراد متدین و امین تحویل داد که بر طبق موازین اسلامی نسبت به آنها عمل کنند، نه اینکه اموال مصادره شود و به حال خود رها گردد.

۱۰ هر چند وقت یک بار خلاصه پروندهها و کارها به دفتر اعزام قضات در قم گزارش شود، و در دستور کار باشد که با دفتر اعزام قضات تماس گرفته شود.

۱۱ لازم است دادرها و قضات شرع رابطه خود را با ملت قطع نکنند و به مراجعات و مشکلات مردم توجه کنند و حتی المقنور گزارش کارهای انجام شده را در اختیار مردم ستمدیده و محروم قرار دهند.

والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین ورحمته وبرکاته.

۵۸/۱۲/۴ قم،

حسینعلی منتظری علی مشکینی